

25/12/2001



همسخن



نشریه افغانان مقیم بوداپست

فهرست مطالب این شماره

- بزرگترین جنایت قرن ۲۱..... ۱
- متن اعلامیه حقوق بشر..... ۳
- لویه جرگه و قدامت تاریخی آن..... ۶
- آغاز روابط دیپلماتیک افغانستان با آمریکا..... ۷
- اجمالی از سیر اوضاع اقتصادی کشور..... ۱۲
- حامد کرزای در يك نگاه..... ۱۴
- اساس ترین کشور های آسیای میانه..... ۱۵
- قربانیان گمنام دریای دونای مجارستان..... ۱۷
- زمان انتقال فرهنگ از شرق به غرب..... ۱۸
- تنش میان هند و پاکستان..... ۱۹
- از گوشه و کنار شهر..... ۲۰
- زن..... ۲۲
- از دنیای علم..... ۲۳
- کابوس مرگ داستان..... ۲۷
- داستانی از شاهنامه..... ۲۸
- از دنیای ادب..... ۳۰
- خواندنی های جالب..... ۳۲
- ویتامین ها..... ۳۴
- حمله قلبی..... ۳۵
- خانواده..... ۳۶

این نشریه به هیچ یک از گروه های سیاسی ارتباط
نداشته و هدف آن صرف پخش مطالب مختلف
معلوماتی نقل از رسانه های خبری و اینترنت جهت
آگاهی بهتر و بیشتر خواننده در موارد مختلف میباشد.

فرید کوهستانی

مدیر مسئول:

فرید کوهستانی

تنظیم و کرافیک:

آدرس:

HUNGARY - BUDAPEST

1042 Árpád ut 165 .x.32

Tel: 0036205411905

003613695539

hamsokhan@hotmail.com

نشریه افغانان مقیم بوداپست

فون نایق دست از دامن قاتل برداشت دیده باشی لکه های دامن قصاب را

سرزمین من خسته خسته از جفا
سرزمین من دردمند بی دوا



بزرگ ترین جنایت قرن ۲۱



در چند سال اخیر در دوره قدرت طالبان بیش از ۴۰۰ طفل از سن ۴ الی ۱۰ ساله افغان را گروپ های تربیه شده از کوچه و پس کوچه های کابل دزدیده و به شفاخانه کابل که قسمتی از آن مدرن و در اختیار اکثران خارجی بود انتقال میدادند و بعداً اعضای مختلفه بدن شانرا که قبلاً فرمایش میشد قطع کرده و به پاکستان انتقال میدادند. جسد و گوشت های پارچه شده بدن شانرا در خرابه ها زیر خاک کرده و یا در کوچه های محل سکونت شان می انداختند.



نظر به شواهد و گزارش های غیر رسمی پناهندگان مقیم پاکستان تعداد زیادی از خورد سالان افغان مقیم کمپ هافمفورد گردیده که اثری از آنها نیست و هنوز هم چنین جنایات ادامه دارد. هیچ ارگانی در رابطه تا حال اقدامی نکرده بنا معلوم نیست که به چه تعداد طفل معصوم افغان قربانی بچه های سرمایه دار پاکستان و یا ممکن کشور های دیگر شده باشد.



در نوامبر سال ۲۰۰۱ با دستگیری یک تن از این گروپ ها در شهر کابل و نظر به اقرار وی که گفت «من خودم تنها ۶۰ طفل ۴ الی ۱۰ ساله را دزدیده و در یک شفاخانه کابل انتقال داده ام»

شواهدی وجود دارد که این گروپ ها همراه با کالاشینکوف، اطفال را از کوچه های خرابه شهر کابل دزدیده اند و توسط اکثرهای خارجی قلب، چشم، گرده و دیگر اعضای بدن شان را که قبلاً از پاکستان فرمایش داده میشد، قطع کرده و توسط یخچال های مخصوص به پاکستان انتقال داده اند.

روما طفل چهار ساله افغان بعد از سرف نان چاشت طبق معمول به کوچه میرود تا با همسالان اش بازی کند.

چند لحظه بعد برادر ۱۸ ساله اش که در خانه بود صدای برک و باز شدن دروازه موتر را میشنود، از جا بلند شده و خود را به کوچه میرساند، وقتی به کوچه میرسد از خواهر ۴ ساله اش خبری نبود، بعد از چند روز جسد پارچه شده روما را که قلب، گرده و چشم آن گم بود، در کنار کوچه شان میابند.

خانواده روما میدانستند که چه کسانی طفل شانرا کشته اند ولی به خاطر ترس و وحشت از آنها جرئت آنرا نداشتند که صدایشان را بلند کنند و در ایوض دو طفل دیگر شانرا به جای امنیت انتقال دادند.

متن اعلامیه جهانی حقوق بشر



اعلامیه جهانی حقوق بشر که شامل ۳۰ ماده می‌باشد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع سازمان ملل تصویب شد و جهانیان این روز را بنام روز حقوق بشر جشن می‌گیرند.

مقدمه:

مجمع عمومی اعلامیه جهانی حقوق بشر آرمان مشترکی برای تمام مردم جهان و ملل بوده و اساس آزادی، صلح، عدالت، تساوی حقوق، بیان، عقیده، احترام به شخص و توسعه روابط دوستانه بین ملل را در جهان تشکیل می‌دهد.

همه افراد و ارکان اجتماع ملل جهان، این اعلامیه را دایماً، در مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادیها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهای که در قلمرو آنها می‌باشند تأمین گردد.

ماده ۱ همه افراد بشر آزاد و با حیثیت و حقوق یکسان زاییده می‌شوند و دارای هویت خرد و وجدان می‌باشند و باید با یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند.

ماده ۲ هر کس می‌تواند از کلیه آزادیها که در اعلامیه حاضر به آن تصریح شده است، بهیچگونه بهسرتری، منجمله از نظر نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین و یا هر عقیده دیگر، و یا از نظر زاد و یا موقعیت اجتماعی، از نظر توانگری یا نسبت یا هر وضع دیگر بهره‌مند گردد. همچنان هیچ امتیازی بر اساس نظام سیاسی یا قانونی و یا بین المللی مربوط به کشور یا سرزمینی که شخص از تبعه آن محسوب است وجود نخواهد داشت، خواه سرزمین مزبور مستقل باشد یا زیر سرپرستی، خواه فاقد خودمختاری باشد یا سرزمینی که حاکمیت آن به شرطی از شرایط محدود شده باشد.

ماده ۳

هر کس حق دارد از زندگی، آزادی و امنیت شخص خویش برخوردار باشد.

ماده ۴

هیچ کس را نمیتوان به بنده گی و یا برده گی گرفت، بنده گی و سوداگری بنده در هر شکل که باشد ممنوع است.

ماده ۵ هیچ کس را نمیتوان شکنجه کرد یا مورد عقوبت یا روش وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار داد.

ماده ۶ هر کس دارای این حق است که شخصیت حقوقی او در همه جا مراعات گردد.

ماده ۷ همه افراد از نظر قانون یکسانند و حق دارند که بی هیچ تفاوتی از پیشتهایی قانون بطور برابر استفاده کنند.

هر کس حق دارد در مقابل هر گونه تبعیض که ناقص این اعلامیه باشد و در مقابل هر گونه عملی که چنین تبعیضی را تشویق کند، از حمایت یکسان قانون برخوردار گردد.

ماده ۸ هر کس میتواند به تعدی بحقوق اصلی که به موجب قانون اساسی یا قانونهای دیگر برای او شناخته شده است به محکمه عالی و صلاحیت دار ملی متصل گردد تا حقش استیفا شود.

ماده ۹ هیچ کس را نمیتوان خودسرانه توقیف کرد یا زندانی ساخت یا تبعید نمود.

ماده ۱۰ هر کس حق دارد با استفاده کامل از تساوی حقوق با دیگران، دعوای او در یک محاکمه مستقل و بیطرف عادلانه و علنی رسیدگی شود و آن محاکمه در باره حقوق و تعهدات او، و یا صحت هر گونه اتهام جزای که به او متوجه باشد حکم دهد.

ماده ۱۱

(۱) هر کس متهم به ارتکاب جرمی باشد، تا وقتی تقصیر او طی محاکمه علنی که در آن هر گونه تصمیم ضروری برای دفاع تأمین نشده باشد قسماً ناآبستور نرسد، بیگنا محسوب میشود.

(۲) همچنین هیچکس به عت ارتکاب عملی یا خودداری از عملی محکوم نخواهد شد مگر وقتی که آن کار به موجب قوانین ملی یا بین المللی در هنگام ارتکاب، جرم محسوب باشد. همچنان هیچکس به مجازاتی بیش از مجازات مقرر در هنگام ارتکاب جرم محکوم نخواهد شد.

ماده ۱۲ زندگی خصوصی یا امور خانوادگی یا محل سکونت، یا مراسلات کسی نباید در معرض دخالت خودسرانه واقع شود. همچنین به حیثیت و حسن شهرت هیچکس نمیتوان حمله کرد.

هر کس حق دارد در اینگونه دخالت‌ها یا اینگونه تجاوزها، از پیشتهایی قسماً برخوردار گردد.

ماده ۱۳

(۱) هر کس حق دارد در هر کشور دیگر آزادانه نقل و مکان کند و هر کجا که بخواهد اقامت گزیند.

(۲) هر کس میتواند به کشوری که خواسته باشد، منجمله کشور خودش را، ترک

کند و میتواند به کشور خود باز گردد.

ماده ۱۴

۱) هر کس حق دارد برای گریز از هر گونه شکنجه و فشار به کشور دیگری پناهنده شود و از حق پناهندگی استفاده کند.

۲) در جرایم غیر سیاسی یا اموریکه مخالفت با اطول و هدفهای ملل متحد باشد نمیتوان از حق پناهندگی استفاده کرد.

ماده ۱۵

۱) هر کس میتواند هر ملیتی را بخواهد بپذیرد.

۲) هیچ کس نمیتواند خودسرانه از ماییت او محروم ساخت و یا حق تغییر ملیت را از او سلب کرد.

ماده ۱۶

۱) زن و مرد وقتی به سن از دواج برسند میتوانند بدون هیچگونه قید ملی، نژادی و مذهبی با هم ازدواج کنند. و در هنگام زندگی زناشویی و انحلال آن دارای حقوق مساوی می باشند. جمع

۲) عقد ازدواج صرف با رضایت آزادانه دختر و پسر امکان پذیر میباشد.

۳) خانواده عنصر طبیعی و اساسی اجتماع است و باید از پشتیبانی جامعه برخوردار باشد.

ماده ۱۷

۱) هر کس به تنهایی یا با شرکت دیگری دارای حق مالکیت است.

۲) مالکیت هیچکس نمیتواند برخلاف قانون از وی سلب کرد.

ماده ۱۸ هر کس دارای حق آزادی فکر، ضمیر و دین است. و هر کس میتواند به تنهایی یا با دیگران به طور علنی یا خصوصی از راه تعلیم و انجام مراسم دینی آزادانه دین و عقاید خود را ابراز کرد.

ماده ۱۹ هر کس آزاد است هر عقیده ای را بپذیرد و آنرا بزرگان بیاورد و این حق شامل پذیرفتن هر گونه رای بدون مداخله اشخاص میباشد و میتواند به وسیله که بخواهد بدون هیچ قید و محدودیت به جلود جغرافیائی، اخبار و افکار را تحقیق نماید و دریافت و انتشار دهد.

ماده ۲۰

۱) هر کس حق دارد آزادانه در احزاب و جماعات های مسالمت آمیز شرکت جوید.

۲) هیچکس نمیتواند وادار ساخت تا به حزبی بپیوندد.

ماده ۲۱

۱) هر کس حق دارد مستقیماً یا بوسیله نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند در اداره امور عمومی کشور خود شرکت جوید.

۲) هر کس حق دارد مانند دیگران متصدی مشاغل عمومی کشور خود گردد.

۳) اراده ملت اساس قدرت اختیارات ملی است.

این اراده بوسیله انتخابات شرافتمندانه صورت میگیرد که دوره به دوره از

طریق انتخابات عمومی یکسان، برای مخفی یا به روشی مشابه با آن که آزادی رای را تأمین کند، انجام می یابد.

ماده ۲۲

هر کس از حیث اینکه عضو جامعه محسوب است، حسیق دارد از تأمین اجتماعی برخوردار گردد، و میتواند کمک کوشش ملی و یاری بین المللی با توجه به سازمان و امکانات هر کشور از حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که با حیثیت و تکامل آزاد شخصیت انسانی ملازمه داشته باشد بهره ور گردد.

ماده ۲۳

۱) هر کس حق کار و برگزیدن آزادانه کار با شرایط عادلانه را دارد و هر کس حق دارد در مقابل بیکاری حمایت شود.

۲) هر کس در مقابل کار مساوی، حق دستمزد مساوی دارد.

۳) هر کس در مقابل کار، حق دارد دستمزدی منصفانه و ارضا کننده دریافت کند که برای او و خانواده اش وجه معیشتی فراهم آورد که شایسته حیثیت کمال یافته انسانی باشد و در این صورت حق دارد از کلیه وسیله حمایت اجتماعی استفاده نماید.

ماده ۲۴

هر کس حق استراحت و استفاده از ایام فراغت دارد و منجمه حق دارد ساعات کارش به طور معقول محدود باشد و از مرخصی نویسی با دریافت حقوق استفاده کند.

ماده ۲۵

۱) هر کس حق دارد از سطح یک زندگی برخوردار باشد که سلامت و رفاه او و خانواده اش، منجمه خوراک و لباس و مسکن و رسیدگی های صحیح آنان را تأمین کند. همچنین حسیق دارد از خدمات ضروری اجتماعی در هنگام بیکاری، بیماری، در مانده گی، پیری و بیهوشی استفاده کند.

۲) مادر بودن و فرزند بودن، استفاده از کمک و مساعدت مخصوص را ایجاد میکند. هر کودک خواه حاصل زناشویی قانونی باشد یا غیر قانونی، از حمایت اجتماعی برخوردار میگردد.

ماده ۲۶

۱) هر کس حق دارد از تعلیم و تربیت استفاده کند و تعلیم و تربیت بسایند در مورد آموزش ابتدایی و اساسی رایگان باشد. تعلیمات فنی و حرفه ای باید برای همه ممکن باشد. دسترسی به تعلیمات عالی به تنابه شایستگی هر کس امکان پذیر باشد.

۲) هدف تعلیم و تربیت باید شکوفایی کامل شخصیت بشری و احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی باشد. تعلیم و تربیت باید حسن تفاهم، گذشت و دوستی بین همه ملتها و گروهها از هر نژاد یا هر دین و گسترش فعالیتهای ملل متحد را برای حفظ صلح تسهیل کند.

۳) پدر و مادر برای تعیین نوع تعلیم و تربیت فرزند خود حق اولیت دارد.

ماده ۲۷

۱) هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند. و از اقسام -



هنرها استفاده کنند و در پیشرفت علمی و برکات حاصل از آن سهیم باشند.

۲) هر کس حق دارد از منافع اخلاقی و مادی ناشی از هر گونه دستاورد علمی و ادبی و با هنری که آنرا بوجود آورده باشد حمایت شود.

ماده ۲۸ هر کس حق دارد بکوشد و سهیم باشد تا در سطح اجتماعی و جهانی چنان نظامی حکمفرما شود که حقوق و آزادیهای که در این اعلامیه اعلام شده است در آن سطح به نتیجه کاملی برسد.

ماده ۲۹

۱) هر کس نسبت به اجتماعی که فقط در آن رشد آزاد و شخصیت کامل او امکان پذیر است تکالیفی را بر عهده دارد،

۲) هر کس در اجرای حقوق و در مقام سرخورداری از آزادیهای خویش، تنها از محدودیت های پیروی میکند که قانون منحصر آبه منظور تأمین شناسایی و حرمت حقوق و آزادیهای دیگران، بالجمله برای تحقق بخشیدن به مقتضیات عادلانه اخلاق و نظام اجتماعی و مصلحت عمومی، در یک جامعه دموکراتیک وضع کرده باشد.

۳) در هیچ حال نمیتوان حقوق و آزادیهای مزبور را به نحوی بیکار برد که با هدفها و اصول ملل متحد منافق باشد.

ماده ۳۰

هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر را نمیتوان به نحوی تفسیر کرد که برای دولتی یا گروهی و یا فردی منضم حق شود که بنابر آن، بتواند به فعالیتی دست زند یا کاری انجام که هدف از آن از بین بردن حقی از حقوق و آزادیهای مذکور در این اعلامیه باشد.

کمک کشورها به بازسازی افغانستان



در کنفرانس توکیو که با اشتراک وزارتای خارجه ۷۰ کشور و سازمانهای بین المللی دایر گردید، وعده سه میلیارد دلار را برای بازسازی افغانستان دادند.

اتحادیه اروپا ۲۹۵ میلیون دلار را در سال جاری کمک خواهد کرد.

جاپان مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار را تا سال ۲۰۰۴ به افغانستان وعده داد.

بانک توسعه آسیایی ۵۰۰ میلیون دلار.

بانک جهانی همچنان ۵۰۰ میلیون دلار را در مرحله اول برای دولت موقت کمک میکند تا بتواند خود را اداره کرده و حقوق کارمندان را پرداخت کند.

عربستان سعودی مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار را وعده داد که ۲۰ میلیون آنرا به صورت

فوری به دولت موقت پرداخت و ۲۲۰ میلیون را طی ۳ سال آینده کمک خواهد کرد.

آلمان مبلغ ۳۶۲ میلیون دلار را طی ۲ سال آینده پرداخت خواهد کرد.

انگلستان با کمک ۲۸۸ میلیون دلار را طی ۵ سال آینده وعده کرده است.

آمریکا در طول سال ۲۰۰۲ مبلغ ۲۹۷ میلیون دلار را وعده داده است.

ایران وعده ۵۶۰ میلیون دلار را داده که ۱۰ میلیون آنرا به صورت فوری پرداخت کرد و ۱۲۰ میلیون آنرا تا قبل از تابستان ۲۰۰۳ پرداخت خواهد کرد.

کانادا ۱۰۰ میلیون دلار.

هندوستان ۱۰۰ میلیون دلار.

سوئیس ۲۰ میلیون دلار.

ترکیه ۵ میلیون دلار.

کشورهای آفریقای ۲۵ میلیون دلار.

چین ۱ میلیون دلار.

سازمان ملل متحد پول مورد نیاز بازسازی افغانستان را در طی ۱۰ سال به ۱۰ میلیارد دلار تعیین کرده و به بانک جهانی مبلغ ۱۰-۱۸ میلیارد دلار را تعیین زده در حالیکه دولت موقت ۲۵ میلیارد دلار کمک میخواهد.

بر اساس ارزیابی کارشناسان اولیتهای بازسازی در ۳۰ ماه آینده، جمع آوری مین های باقی مانده از دوران جنگ، کمک و گسترش به تسهیلات صحنه، تأمین نیازهای آموزشی حمایت و کمک در بخش های مختلف تجاری و آیداتی بخصوص کشاورزی میباشد.

طبیعتاً تحقق وعده های کمک به ایجاد شرایطی بستگی دارد که از نظر کشورها و نهاد های کمک کننده مناسب تشخیص داده میشود.

در قدم اول عدم استقرار و حاکمیت مطلق دولت مرکزی بر تمامی کشور، و با پیروز جنگ های چریکی و خانوادگی مانع اجرای طرح های بازسازی شده و ممکن دولت های کمک کننده از وعده هایشان منصرف شوند.

کشور های کمک کننده تاکید کرده اند در مناطقی که قانون حاکم نیست، از پروژه های دراز مدت بازسازی حمایت نخواهند کرد.

در باره اینکه این کمک ها از چه راهی به افغانستان خواهد رفت و تحت چه شرایطی و چگونه مدیریت خواهد شده سوالاتی وجود دارد.

گرچه بانک جهانی بخاطر جلوگیری از فساد مالی، موافق به تسهیل یک صندوق مالی مرکزی است. ولی بسیاری از کشور ها میخواهند که این کمک ها مشخص و دو جانبه باشد. که این امر ممکن مشکلاتی را بوجود خواهد آورد. مثلاً کشورهایی کمک کننده پلان دارند تا پروژه های کوچکی را در مناطق مختلف اعشار کنند و این امر ممکن است به سبب آن شود که مبلغ زیادی را در آن مناطق اختصاص شود که در این صورت مناطق دیگر از این کمک محروم خواهد شد.



پیکار پامیر:

لویه جرگه وقدامت تاریخی آن در افغانستان

از دهگانه تاریخی بعضی هارا عقیده بر اینست که نخستین لویه جرگه در افغانستان در سال ۱۷۴۷ در محل شیر سرخ قندهار دایر شد که قرار بود نادر مورد مرگ نادر افشار فیضله شود. چنانکه در آن زمان احمد شاه ابدالی (مؤسس افغانستان معاصر) به صفت پادشاه انتخاب شد. ولی آن لویه جرگه به مفهوم و معنی امروزی آن نبود، بلکه مجلس اضطراری و محدود به سران اقوام و قبایل ذی نفوذ بود که باید از میان سران مذکور، یکی برای پادشاهی برگزیده میشد و این زمانی بود که از یکطرف اوضاع کاملاً اضطراری در کشور حکمفرما بود و از طرف دیگر افغانستان به اثر حملات و فتوحات نادر افشار کوبیده و پاشان شده بود، که در نتیجه متعجب به وحدت ملی و احیای حاکمیت دولت قوی مرکزی و حتماً تشکیل امپراتوری دودمان ابدالی در منطقه گردید.

نظر به اسناد و شواهد تاریخی، اولین جرگه بزرگ ملی در سال ۱۸۶۵ یعنی زمانی در کابل دایر گردید که امیر شیر علی خان پسر امیر دوست محمد خان پس از جنگهای خونین و ویرانگر با پسران خود پسر تخت پادشاهی در کابل جلوس کرد، که از بابت دو برادر دیگرش سردار محمد امین و سردار محمد شریف که حاکم و همه کاره قندهار بودند.

امیر شیر علی خان سعی کرد تا با ارسال پیغام های متعدد به آنها مناقشات را با آنها حل کند که بالاخره نتیجه نداد. آنوقت جرگه بزرگ دو هزار نفری را به کابل دعوت کرد و ضمناً سخنرانی نسبتاً مفصل در آن، خواهان مشوره های چاره ساز از سوی نمایندگان در برابر معضله ی قندهار و دوبرادر خویش گردید.

در سال ۱۹۲۳ در چهارمین سال سلطنت امان الله خان دومین لویه جرگه بسا اشتراک هشتصد تن از نمایندگان سران سر کشور در شهر جلال آباد دایر شد که ریفرم های متعددی به شمول قانون اساسی مملکت را به تصویب رسانید.

سومین لویه جرگه باز هم تحت قیادت امان الله خان در سال ۱۹۲۸ در شهر پغمان با اشتراک هزار تن از نمایندگان شهر ها و ایالات دایر شد.

چهارمین لویه جرگه در سال ۱۹۲۹ یعنی یک سال پس از سقوط سلطنت اصلاح طلب امان الله خان و در اوایل آغاز پادشاهی جنرال محمد نادر در کابل دایر گردید که مجلس مذکور عمدتاً فیصله های ضد شخصیت اعلیحضرت امان الله خان و اصلاحات دیموکراتیک زمان وی را صادر نمود.

پنجمین لویه جرگه در سال ۱۹۳۱ در دوران محمد ظاهر شاه پسر محمد نادر شاه که محمد هاشم (مشهور به هاشم جلال) صدر اعظم آنوقت بود، که آتش جنگ جهانی دوم شعله ور گردیده بود یکی از تصاویر عمده این لویه جرگه عبارت از اعلام مجدد سیاست بیطرفی افغانستان و عدم اشتراک در پیمان های جنگی آن زمان بود.

وقتی محمد داود پسر کاکای و شوهر خواهر محمد ظاهر شاه، کرسی صدر اعظم آن زمان را تسخیر کرد، در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی، ششمین لویه جرگه را در کابل تشکیل داد که از تصاویر مهم آنها دو تصمیم آن آنفیسدر مهم بود که در نتیجه منجر به نابودی سرنویشت ملی مردم افغانستان گردید که یکی از آن تصاویر قضیه پشتونستان یا مبارزه با خطر اعدای حقوق پشتونهای مناطق آنسوی دیگر خط دیورند که انگلیس ها آن مناطق را مربوط خاک پاکستان ساخته بودند. و تصمیم دومی اعطای اختیارات کامل به حکومت محمد داود غرض حصول سلاح و مساعدت های مالی و تسلیحاتی از هر کشوری که ممکن و یا میسر باشد، بود. محمد داود قضیه پشتونستان را تا آنجا دامن زد که موجب خصوصیت های شدید و خونی حکومت پاکستان با افغانستان شد و همچنین به منظور حصول کمک های تسلیحاتی و اقتصادی به شوروی چنان انکا کرد که در نتیجه نهایی اشغال کشور توسط قشون شوروی گردید.

هفتمین لویه جرگه در افغانستان در و آخر سال ۱۳۵۵ در کابل به دعوت محمد داود برگزار گردید که عمدتاً روی موضوع انتخاب رئیس جمهور آینده کشور که مسلماً شخص محمد داود و یگانه کاندید آن بود که بالاخره نظر به تصمیم لویه جرگه محمد داود برای مدت هفت سال آینده به مقام رئیس جمهور انتخاب شد.

آنچه که اینجا قابل توضیح دانسته میشود اینست که لویه جرگه هایی که از سال ۱۳۰۸ تا حال در افغانستان دایر شده است، عمدتاً به شیوه دستچین، فرمایشی و غیر دموکراتیک بوده معمولاً کسانی در آن اشتراک نموده اند که در قدم اول مورد اعتماد رژیم های بر سر اقتدار و از زمره سران متنفذ اقسام و طوایف زمین داران بزرگ و عناصر ارتجاعی و وفادار به دولت بوده اند که بسطین گونه، نمایندگان حقیقی اقتدار و طبقات محروم و مظلوم جامعه افغانی و نیز روشنفکران آگاه و متعهد، شانس حق اشتراک را در چنین مجالس بزرگی نداشتند.

ولی اکنون که قرار است نهمین لویه جرگه به اساس فیصله های کنفرانس بن در آینده نزدیک تحت ریاست ظاهر شاه در کابل دایر گردد، مردم رنج دیده، جنگزده و دردمند ما انتظارات تازه و تاریخی دیگری از آن دارند که مهم تر از همه، نیاز دموکراتیک بودن انتخاب اعضا و نحوه جلسات آن است. و چنین لویه جرگه یی با نتایج مثبت آنوقت امکان پذیر خواهد بود که در قدم اول پرسه خلع سلاح عمومی و انحلال (قبو مندان های چریکی) و تأمین امنیت سرناسری به همکاری نیروهای مسلح بین المللی و تلاش های جانب افغانی بدون در نظر داشت قدرت خواهی و تضاد های نژادی و قبیله ای، نا اندازه یی توسعه کرده و برای ایجاد یک افغانستان مستقل و آغاز یک زندگی نوین برای مردم ما باشد.

واضح است که برای رسیدن به چنین نتایجی در افغانستان کار ساده یی نیست ولی مسلماً ناممکن هم نیست. هر گاه نیروهای دوستدار دموکراسی و انسانیت و مجموع روشنفکران آگاه جامعه چه در داخل و یا چه در خارج از کشور بسیج شده در آینده نه چندان دور کشور دوباره آباد خواهد شد.



آغاز روابط دیپلماتی افغانستان با آمریکا

در این مطلب صرف آغاز روابط دیپلماتیک افغانستان با ایالات متحده آمریکا و نتایج مقصوده این روابط، مقتصر آ از نوشته های تاریخ نویسان جهان بصورت مستند منعکس شده است.

ایالات متحده در برابر نفوذ گروه حاکم در بوروکراسی افغانستان که آنها را گروه مرتجع می دانست معتقد بر آن شد تا نفوذ در حال رشد افغانی های تحصیل کرده و لیبرال را تشویق کند.

اختلافات سیاسی بین طبقه حاکم در افغانستان با مقامات پاکستان بر سر خط دیورند (که در سال ۱۸۹۳ بوسیله دولت استعماری انگلیس در هند به خاطر جدائی پشتونها و مردم بلوچ افغانستان امضا شده بود) و نیز حمایت ایالات متحده از پاکستان روابط بین دو کشور را تیره ساخت. در پانزدهم ماه می سال ۱۹۵۶ وزارت امور خارجه آمریکا یادداشتی منتشر کرد مبنی بر اینکه «همیشه خط دیورند را مرز قانونی بین افغانستان و پاکستان می شناسد» زمانی که آیزنهاور رئیس جمهور وقت ایالات متحده در ۲۵ فوروری ۱۹۵۲ تصمیم به اعطای کمک تسلیحاتی به پاکستان گرفت، کابل آنرا تهدیدی برای امنیت ملی خود دانست و از ایالات متحده خواست کمک های مشابهی نیز در اختیار افغانستان قرار دهد. امضای پیمان دفاعی دو جانبه بین ایالات متحده و پاکستان در ۲۵ اپریل ۱۹۵۴، محمد داود صدراعظم افغانستان برادرش نعيم را برای تأمین تسلیحات مورد نیاز افغانستان روانه ایالات متحده کرد، که در نتیجه جان فاستر دالس وزیر امور خارجه آمریکا در دیدار با وی گفت: «اعطای کمک های نظامی به افغانستان مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد که نمی توان آنها را با اینگونه کمک هابر طرف ساخت به جای درخواست تسلیحات افغانستان باید مناقشه پشتونستان را با پاکستان حل و فصل کند».

خودداری ایالات متحده از ارائه تسلیحات به افغانستان، داود را مجبور ساخت تا خواهان کمک نظامی و اقتصادی از شوروی شود. سیاست داود مبنی بر ایجاد روابط نزدیکتر با پاکستان و اتحاد جماهیر شوروی به نفع او نبود.

رهبر کرملین فرصت را غنیمت شمردند و ضمن اعلام همبستگی با افغانستان اعلام کرد و کمک های اقتصادی و نظامی در اختیار افغانستان قرار داد و از نیروهای اجتماعی که طرفدار توسعه روابط با شوروی بودند حمایت کرد. تعدادی از بوروکراتهای با نفوذ طبقه متوسط و سرمایه داران وارد تجارت با شوروی شدند. عبدالحمید زابلی و تجارانی از هرات موفق به کسب سود های قابل توجهی شدند. عبدالعزیز مشهور به لدنی تاجر برجسته دیگری بود که وارد تجارت با اتحاد شوروی شد و همراه با گروه زابلی به تولید کتان در ولایات شمالی افغانستان برای مصرف شوروی پرداختند.

امان الله خان بعد از کسب استقلال افغانستان از انگلیس ها در سال ۱۹۱۹ برای توسعه روابط دیپلماتیک کشور خود با آمریکا در ۲۶ جنوری ۱۹۲۶ هیئت نمایندگی بی رابه ایالات متحده فرستاد و ظمن نامه بی خواسته از آن شد تا کابل را مورد شناسایی رسمی قرار دهد.

اتحاد شوروی اولین کشوری بود که افغانستان را در ۲۸ فوروری سال ۱۹۲۱ به رسمیت شناخت. سپس از آن ایران، مصر، فرانسه و آلمان نیز افغانستان را به رسمیت شناختند.

ایالات متحده نظر مساعدی نسبت به برقراری روابط دیپلماتیک با افغانستان نداشت، زیرا حمایت افغانستان از جنبش های ضد استعماری در هند و موافقت آن کشور با تأسیس حکومت انقلابی و در تبعید هند در کابل را مغایر با منافع پادشاهی انگلیس در منطقه تلقی میکرد. ۱۷ سال طول کشید تا ایالات متحده تصمیم گرفت با افغانستان روابط دیپلماتیک برقرار کند. ایالات متحده در ۴ مارچ ۱۹۳۶ افغانستان را رسماً مورد شناسایی قرار داد و اچ دیلیو، هومی بورگک رابه عنوان سفیر ایالات متحده در افغانستان منصوب کرد که مرکز فعالیت آن در تهران قرار داشت. در ششم سال ۱۹۴۲ ایالات متحده یک دفتر نمایندگی دیپلماتیک در کابل افتتاح کرد. و در پنجم جون سال ۱۹۴۸ با انتخاب پالمر به عنوان سفیر آمریکا به سطح سفارت خانه ارتقا کرد.

روابط ایالات متحده و افغانستان

بعد از جنگ دوم جهانی

بعد از افسانه پس از پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده برای مقابله با نفوذ شوروی و نیز جلوگیری از توسعه ایدئولوژی های کمونیستی طراحیهای عمرانی خود را در افغانستان گسترش داد. نفوذ اتحاد شوروی در افغانستان در نیمه دهه ۱۹۵۰ به خوبی بوسیله لوئیس دو بری مردم شناس آمریکایی، توصیف شده است. به نوشته او در نوامبر ۱۹۵۹ یکی از اعضای گروه اکتشاف نفت شوروی به او گفته بود: «ما برای مدت طولانی اینجا هستیم. افغانها به کمک ما نیاز دارند. چرا شما آمریکایی ها به وطن تان باز نمیگردید؟ افغانستان همسایه ماست نه از شما».



هدف از روابط دیپلماتیک بین کشورها توسعه دو جانبه در عرصه های مختلف زندگی آن دو کشور میباشد. ولی آمریکا بناظر رسیدن به اهداف شوم خود این همه پدفتی را دچار مردم و وطن ما کرد.

سرانجام در سال ۱۹۶۳ منجر به استعفای داود شد. این رویداد آغاز دور جدیدی از روابط ایالات متحده و افغانستان را مشخص میساخت که به مسافرت رسمی ظاهر شاه به واشینگتن در روزهای چهارم تا ششم سپتامبر ۱۹۶۳ منجر شد.

محمد هاشم میوندوال سیاستمدار طرفدار ایالات متحده که در سالهای ۱۹۶۳-۶۵ به عنوان وزیر اطلاعات افغانستان خدمت میکرد، صدر اعظم شد.

این تحول جدید در روابط ایالات متحده و افغانستان در سال ۱۹۶۸ به امضای موافقتنامه های تبادل تبادل برنامه های آموزشی و فرهنگی بین دو کشور شد. معاون رئیس جمهور آمریکا اسپروا گنیو طی دیداری از کابل، ادامه حمایت آمریکا از افغانستان را اعلام کرد و وعده های کمک در بهبود کشاورزی صنعتی و فرصت های شغلی و آموزشی بیشتری را برای افغانستان اعلام کرد.

هر چند میوندوال روابط ایالات متحده و افغانستان را تقویت کرد. اما در سال ۱۹۶۹ متهم به جاسوسی شده و مجبور شد تا استعفا نماید. و بعد از یک مدت برای معالجه به آمریکا سفر نمود.

توسعه اقتصادی، بازسازی و کمک خارجی، نه تنها سطح زندگی یا اقتصاد افغانستان را بهبود بخشید بلکه کشور را عقب ماند تر ساخت. افغانستان گرفتار بحران عمیق اجتماعی-اقتصادی و سیاسی شد تا حدی که پرداخت قرضه های طویل المدت سالانه به ۷ میلیون دلار بود، اما در ظرف پنج سال سالانه به ۲۵ میلیون دلار افزایش یافت که بیش از ۳۰ درصد از عایدات صادراتی افغانستان در آن زمان بود تقریباً دو بر سه حصبه از پرداخت قرضه ها برای اتحاد شوروی پرداخت میگردد. که بین سالهای ۱۹۵۷-۱۹۷۲ برابر ۹۰۰ میلیون دلار کمک (۶۰ درصد آن کمک های غیر نظامی بود) و ۳۰۰ میلیون دلار قرضه های غیر نظامی در اختیار افغانستان گذاشته بود.

چند سال اخیر حکومت ظاهر شاه با مواجه شدن به بحران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و همچنان قحطی، بیکاری، متزلزل شدن و گروه های مختلف اجتماعی در صدد برافگندن نظام پادشاهی بودند. محمد داود صدر اعظم سابق، محمد ولی داماد ظاهر شاه و چند تن دیگر برای بدست آوردن قدرت توطئه میکردند. در ۱۷ جنوری ۱۹۷۳ داود به همراهی جناح پرچم از حصبه حزب دمد کراتیک خلق افغانستان دست به یک کودتای نظامی زد و پس از به چنگ آوردن قدرت، کشور را جمهوری اعلام کرد.

ایالات متحده و رژیم داود

داود به محض بدست گرفتن قدرت، اعضای حزب پرچم را به مقامهای مهم اجرایی گماشت و اعلام کرد که دولتش دست به اصلاحات اجتماعی اقتصادی خواهد زد که با اصول اساسی اسلام سازگار باشد. اتحاد شوروی اولین کشوری بود که رژیم جدید را مورد شناسایی دیپلماتیک قرار داد و قول-

ببرنامه های عمرانی ایالات متحده عمدتاً در کابل و بخشهای جنوب کشور که بسیار همپیمانان ایالات متحده - ایران و پاکستان - هم سرحد بودند تمرکز یافت. ایالات متحده راه های کابل جلال آباد و کابل قندهار را که کابل را با پشاور و کوئته متصل میکرد احداث نمود. ۷/۴۹ میلیون دلار برای احداث سراسر ک راهات اسلام ق... که که راهات را به ایران پیوند میداد، منظور کرد. و ۱۸/۷ میلیون دلار برای توسعه پروژه رودخانه هلمند سرمایه گذاری نمود.

کمک های ایالات متحده عبارت بود از تهیه مقدمات انتقال هوایی هزار نفر از افغانان به منظور حج به عربستان سعودی، در جون ۱۹۵۶، هاد آ صد هزار دلار برای بازسازی مکتب حبیبیه در نوامبر ۱۹۵۶، و تا مین ۱۵ میلیون دلار در سال ۱۹۵۷ برای ساخت میدان هوایی بین المللی هرات.

برنامه های عمرانی اتحاد شوروی عمدتاً در مناطقی از کابل و بخشهای شمالی کشور که هم سرحد با جمهوری های آسیای میانه بود تمرکز یافت. در سال ۱۹۶۳ شرکت صادرات تکنالوژی شوروی، اکتشاف گسترده معادن و نفت را در بخشهای شمالی افغانستان آغاز کرد درگیر شدن گستره شوروی در اکتشاف معادن و نفت افغانستان موجب شد تا:

«بسیاری از مشاوران فنی غربی از وزارت معادن و صنایع و نیز از مؤسسه نقشه برداری افغانستان که همه گزارش ها و نقشه های توپوگرافی و زمین شناسی را نگهداری میکرد بکنار شوند.»

برای اینکه حضور ایالات متحده در افغانستان احساس شود، آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا در هشتم دسامبر ۱۹۵۹ از کابل دیدار کرد و هری کابل را از ادامه فعالیت های عمرانی ایالات متحده برای کمک به افغانستان مطمئن ساخت. سال بهد هیت نمایندگی ایالات متحده به منظور بررسی دورنمای بازارهای ایالات متحده در افغانستان، از کابل دیدار کرد. هیت نمایندگی به این نتیجه رسید که تجاران آمریکایی باید توجه بیشتری به افغانستان کنند، چرا که در این کشور صدور محصولات مانند ماشین آلات کشاورزی ساختمانی، بورت دوزی... بازار بالقوه و پر سودی وجود دارد.

ایالات متحده همچنان دولت کابل را به عادی سازی روابط با پاکستان ترغیب میکرد زیرا میبکد نعيم برادر محمد داود از واشینگتن دیدار و در ۲۷ سپتامبر با جان اف. کندی ملاقات کرد، کندی او را به فاصله گرفتن از شوروی و عادی سازی روابط کشورش با پاکستان تشویق کرد.

اما رهبری افغانستان به چند گروه تقسیم شده بود. جناح طرفدار شوروی که روابط نزدیکتر با مسکو طرفداری می کردند گرد داود را گرفته بودند، و جناح طرفدار غرب که از روابط نزدیکتر با غرب حمایت میکردند در اطراف محمد ظاهر شاه گرد آمده بودند. کشمکش در داخل طبقه حاکم



ایالات متحده آمریکا و تجاوز شوروی

ایالات متحده آمریکا اقدام شوروی را تهدید مستقیمی برای امنیت و منافع جهانی خود تلقی کرد. عبارات ذیل توصیف جیمی کارتر از تجاوز شوروی را نشان میدهد: «امنیت کشورمان مستقیماً تهدید شده است. تردیدی وجود ندارد که حمله شوروی به افغانستان اگر بدون عواقب نامطلوبی برای آن کشور باشد به وسوسه برای حمله دوباره منجر خواهد شد تا اینکه آنها به آبهای گرم بنادر دست یابند یا اینکه کنترل بخش عمده ای از ذخایر نفت جهان را بدست آورند.»

دولت کارتر که علاقمند به انجام موافقتنامه محدود کردن سلاحهای استراتژیک میان آن دو کشور بود، نمیبخاست بطور جدی خصومت کرملین را برانگیزد و واکنش آمریکا در برابر تهاجم شوروی شامل تحریم بازاری های المپیک تابستان ۱۹۸۰ در مسکو، به تعویق انداختن گشایش کنسولگری شوروی در نیویارک و کنسولگری آمریکا در کیف، محدود کردن امتیازات ماهیگیری شوروی در آبهای ایالات متحده، توقف فروش تکنولوژی های آمریکا به شوروی...

وقتی رونالد ریگان در ۱۹۸۱ به ریاست جمهوری انتخاب شد، دولتش بسیارانه کمک مالی به نیروهای در حال جنگ با شوروی و اعلام همبستگی با افغانستان، و برگردن خشن تری نسبت به این اقدام شوروی اتخاذ کرد. در دهم مارچ دولت ریگان، ۲۱ مارچ را به عنوان «روز افغانستان» در آمریکا اعلام کرد. دولت آمریکا از تهاجم شوروی به عنوان تهدیدی برای کشور های اسلامی بهره برداری و شروع به ایفای نقش به عنوان «متحد طبیعی» همه جهان اسلام نمود. مقامات عالی رتبه در دولت ریگان بطور جدی آماده کمک به افغان ها در مبارزه برای بسپرون کردن شوروی ها از کشور شان بودند.

دولت ریگان ۶۲۵ میلیون دلار در اختیار گروه های مجاهدین مستقر در پاکستان قرار داد. علاوه بر کمک پنهانی آمریکا ۴۲۰ میلیون دلار کالا نیز برای مهاجرین افغان در پاکستان در نظر گرفت. در نهمه دهه ۱۹۸۰ کمک آمریکا به جبهه ضد شوروی با در اختیار گذاشتن راکت های استیگر برای آنها افزایش یافت.

«اعتقاد بر این است که در سال ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ کمک پنهانی آمریکا برای مجاهدین ضد شوروی و رژیم کابل، به بیش از ۴۰۰ میلیون دلار افزایش یافت و در سال ۱۹۸۹ در حدود ۳۵۰ میلیون دلار میرسید. و در سال ۱۹۹۰ به ۳۰۰ میلیون دلار کاهش یافت. و در مجموع بودجه عملیات پنهانی آمریکا در ده سال بهد از آغاز جنگ به ۲ میلیارد دلار تخمین زده میشود.

و در ضمن آمریکا تحولاتی را که در دولت کابل در حال وقوع بود زیر نظر داشت. در میان درگیری ها و ناآرامی های مردمی بر ضد دولت، آمریکا شروع به حمایت های مالی برای اسلامگرایان تبعیدی در پاکستان نمود و آنها را به سباز متهای اجتماعی و سیاسی مرفی تر جیح داد.

ایالات متحده با استفاده از اسلامگرایان به سقوط رژیم متحد شوروی اعلام کرد که با پیروزی آنان مشارکت ایالات متحده در ساختار اقتصادی این کشور امکان پذیر خواهد شد.

سرم کوب سیاسی و اصلاحات افراطی بساعت ایجاد احساسات ضد رژیم شد. شورش روبه رشد و درگیری جناحی در داخل حزب حاکم، رهبران کرملین را متقاعد ساخت که باید حفظ الله امین را که منشأ همه مشکلات می شناختند بر کنار شود. ترکی پس از بازگشت او کوبا و مسکو دست به کار به بر کنار کردن امین از مقامش شد. سرگرد محمد داود نازون که ترکی را در سفر به خارج همراهی میکرد، امین را از توطئه باخبر کرد. زمانی که ترکی امین را برای جلسه به دفترش دعوت کرد، در یک زو خورد مسلحانه که بین شان رخ داد ترکی کشته شد و هواداران امین در جلسه کمیته مرکزی حزب در ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ او را به ریاست جمهوری و ریاست حزب انتخاب کردند. امین تلاش کرد تا کشور را ثبات وروابط با ایالات متحده را عادی سازد. این اعتقاد وجود دارد که امین آمادگی داشت تا برای انجام این کار هزاران مشاور شوروی را تحت شرایط معینی از افغانستان اخراج کند. در ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ شاه ولی وزیر امور خارجه برای بهبود روابط آمریکا و افغانستان از نیویارک دیدن کرد و این ملاقات از چربلود دیپلمات آمریکار اواداشت تا در اکتوبر هماسال از کابل دیدن کند.

رهبران کرملین با مشاهده دور شدن تدریجی افغانستان از حوزه نفوذ شوروی، متقاعد شدند که باید برای حفظ تسلط شوروی و جلوگیری از ظهور دولتی در کابل که نسبت به غرب احساسات دوستانه تری داشته باشد در آن کشور مداخله کنند.

در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ اتحاد شوروی با این ادعا که رهبران افغان برای دفاع از کشور شان در برابر تجاوز خایچی از آن دولت دعوت کرده اند تا با کمک نظامی برای افغانستان کمک کنند که بر ژنف این تجاوز را چنین توجیه کرد:

«مداخله مسلحانه و بی وقفه، توطئه بسیار حساب شده نیروهای مرتجع خارجی این تهدید واقعی را پیش آورد که افغانستان همسایه جنوبی ما استقلال خود را از دست بدهد و به یک نظام امپریالستی مبدل شود. یا به عبارت دیگر زمانی رسیده بود که دیگر نمیتوانستیم به تقاضای دوستانه دولت افغانستان پاسخ ندهیم...»



سیاست پاکستان نیز با حمایت از گلبندین حکمتیار در برابر ربانی (یک تاجک اهل بدخشان) صحنه سیاست در افغانستان را در دوره بعد از خروج شوروی برای منفعت خود قومی تر ساخت و تفایق را بین آنها افزود.

در بین این کشمکش ها در داخل کشور ایالات متحده نیوانت سفارتخانه خود را در کابل بگشاید تا تحولاتی را که در کشور رخ میداد دقیقاً زیر نظر داشته باشد و به اهداف دیرینه خود جلوه عمل ببخشد و نتایج آن را در جستجوی راه حل کوشد.

نصرف کابلی توسط طالبان یعنی افراد تعلیم دیده در مدارس مذهبی پاکستان، نیوانت بدون حمایت پاکستان، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا عملی شود.

هدف اصلی سیاست آمریکا در افغانستان ایجاد یک خط لوله انتقال نفت از آسیای مرکزی به بازارهای غرب از طریق افغانستان میباشد. ساخت این خط لوله نفت که ۲ میلیون دلار بودجه آن بر آورده شده است پاسخ به هدف اصلی ایالات متحده میباشد، یعنی دسترسی مستقیم به نفت و گاز آسیای میانه و دریای خزر را که شرکت آمریکایی شورن و شرکت نفت دلنا وابسته به عربستان سعودی که مبالغ زیادی در آنجا سرمایه گذاری کرده اند.

در اکتوبر ۱۹۹۴ جان سی مونچو سفیر ایالات متحده و همکارانش با کستانی اش، بدون اجازه رژیم ربانی از فندهار مرکز طالبان دیدار کردند. آمریکاییان وابط نزدیک دولت تاجک حاکم را با ایران، هند و روسیه در تضاد آشکار با سیاست خود تلقی میکرد. و از طالبان به عنوان بهترین آلترناتیف برای پیشبرد منافع خود در مقابل ایران حمایت به عمل آورد. زیرا طالبان با ایران از نظر زبان، مذهب، و فرهنگ با هم اشتراکی ندارند در حالیکه تاجیکها با ایران از حیث زبان مشترک هستند و هزاره های شیعه دارای زبان و مذهب یکسانی با ایران میباشد.

دولت آمریکا کنترل طالبان بر کابل را تحولی مثبت خوان و اعلام نمود که یک هیت نماینده به کابل خواهد فرستاد. مارتی مبلر از سوی شرکت نفت تگران از افغانستان دیدار کرد تا از گروه های مخالف در افغانستان بخواهد با ساخت لوله نفت از ترکمنستان تا بندر پاکستان (که از افغانستان عبور میکرد) موافقت کنند.

دولت ایالات متحده در پشت پرده از طالبان حمایت میکرد و آنها را نیروی بالقوه ای میدانست که قادر اند تا ثبات را به افغانستان باز گردانند. اما در مجامع عمومی به دلیل سیاستها و اعمال انعطاف ناپذیر طالبان بویژه سیاستها و اعمالی که زنان را تحت فشار می آوردند، خود را از آنها دور نگه میداشت.

خلاصه این همه نه تنها به تخریب افغانستان منجر شد بلکه موجب گردید تا جنگ داخلی در این کشور پس از شوروی ادامه یابد.

کمک آمریکایی به گروه های مجاهدین افغان مستقر در پاکستان از طریق سازمان اطلاعات داخلی پاکستان (ISI) هدایت میشد و برای آمریکاییان مهم نبود که سازمان جاسوسی پاکستان چگونه این کمک ها را میان گروه های مجاهدین مستقر در پاکستان توزیع میکند یا اینکه پاکستان چه اهداف استراتژیکی را در افغانستان تعقیب میکند و همچنان آمریکا میخواست تا نفوذ ایران را در افغانستان کاهش دهد.

شوروی ها نتوانستند در مقابل گروه های مجاهدین افغان بایستند و همچنان با مخالفت شدیدی، هم در داخل و هو در خارج مواجه شدند. این امر باعث شد تا شوروی برای خروج آبرو و مندان از افغانستان دست بکار شود. قرار داد ۱۴ ماهه می ۱۹۸۸ ز نو که بین حکومت پاکستان و افغانستان دایر بر عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر امضا شد. فرصتی در اختیار شوروی داد تا نیروهایش را در فبروری ۱۹۸۹ از افغانستان بیرون کشد.

اشغال افغانستان توسط شوروی از دسامبر ۱۹۷۹ تا فبروری ۱۹۸۹ به مرگ ۱۰۲۵ تا ۱۰۲۹ میلیون نفر و فرار ۵/۶ میلیون مهاجر به کشورهای همسایه و تخریب ساختار های اجتماعی، اقتصادی افغانستان منجر شد. این امر واکنش بین المللی را برانگیخت و سازمانهای غیر دولتی را واداشت تا در بازسازی افغانستان و ارائه کمک های بشر دوستانه به مهاجرین شرکت کنند.

ایالات متحده و افغانستان

پس از دوره شوروی

پس از عقب نشینی نیروهای شوروی، رژیم کابل به حفظ سلطه خود ادامه داد، اما اقتدار و نفوذش به تدریج کاهش پیدا کرد و فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ نه تنها به استقلال چند کشور آسیای مرکزی منجر شد بلکه راه را برای دیگر گونی بنیادی در افغانستان هموار کرد. تا اکتوبر ۱۹۹۲ جزئیات طرح صلح سازمان ملل متحد را به منظور انتقال قدرت به یک حکومت موقت اسلامی به رهبری مجیدی رهبر جمعیت اسلامی در همان سال قبول کرد و مجیدی در همان سال جانشین وی شد. نجیب الله بعد از استعفا کوشش کرد تا کشور را به قصد هند ترک کند ولی در مسیر راه میدان هوایی نیروهای مخالف از مسافرانش جلوگیری کردند. و او مجبور شد تا به دفتر ملل متحد در کابل پناه ببرد و او در آنجا ماند تا زمانی که بوسیله نظامیان طالبان که در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ قدرت را در کابل بدست گرفتند، بیرون کشیده و اعدام شد.

بنا بر وجود اینکه آمریکا سفارتخانه خود را در کابل نگهشود، در ۱۷ اکتوبر ۱۹۹۶ جوو جوش اعلام کرد که کشورش به افغانستان کمک های مالی ارائه خواهد کرد و روابط دیپلماتیک عادی با آن کشور را از سر خواهد گرفت.

وقتی مبارزه قدرت بین گروه ها در افغانستان شدت گرفت و به تدریج خصلت قومی پیدا کرد. و هر گروه قومی ناگزیر شد تا زیر پرچم رهبر خودش گرد آید.

اجمالی از سیر اوضاع اقتصادی کشور و اثرات وقایع انقلاب غیر مردمی



طوری همه آگاهی دارند قسمت اعظم کشور را کوهستانات تشکیل نموده است، از انضام محدود و قسمتی بسیار و کم آب می باشد. ذخایر آن از قبیل گاز، مس، آهن، بغال سنگ و معدنیات دیگر پر قیمت میباشد.

اقولم و ملیت های این کشور باستانی در طول تاریخ با آلات و افزار عادی مشغول زراعت و مالداري بوده و اقتصاد فردی فامیلی را محصولات زراعتی و لبنیات اجنوا مینمود و مخارج زندگی را از آن تأمین میکردند. در قرا و دهات تبادلات جنس به جنس در اشیا مورد نیاز مردم صورت میگرفت.

جنگ های قبیلوی اکثر آمانع پیشرفت و انکشاف معاملات تجارتی میشد، اطفا بعضی از فامیل هادر مسیحا چندین بار اگر رفتن علوم دینی و عده بی در زراعت و مالداري مدد و کمک مبل های خود میشدند و از سواد بی بهره می ماندند. برای تمامیت ارضی آزادی حفظ نوامیس ملی به هیچ بیگانه بی تندهی نداشتند. با غرور و شهامت، شجاعت در زمینه نای پای مرگ می جنگیدند.

جهان و قسمت در صدد بود تا تمام نهاد های اقتصادی جامعه بیستاد اطمینان خاطر، امکانات مالی، مادی و بشری خویش را در راه انکشاف تجارت و بخش های زیربسط آن به کار اندازند. موسسات سکونر خصوصی، دولتی و مختلف را ایجاد نمودند. در این عرصه سیاست، تشویق سرمایه و استفاده از ریزرف های سکونر خصوصی، پایه گذاری و بازسازی کشور های خودبندل مساعی نمودند. شرکت های بزرگ تجاری، تولیدی، ترانسپورت زمینی و هوایی و غیره را با رفاهیت های متمر و مشروع برای تأمین نیازمندی های دولت از نگاه عادل و حفظ قسمت ها بمشابه رفیق بازار آزاد عمل مینمودند.

اداره حکومت وقت مایه روش های مرفی سیستم اقتصادی کشور های مرفی جهان علاقمند اینگونه تحولات شده و با اجبار آسیر زمان آنها را و ادار ساخته تا در راه بهبود وضع اقتصاد کشور قدمه بدل مساعی نمائند.

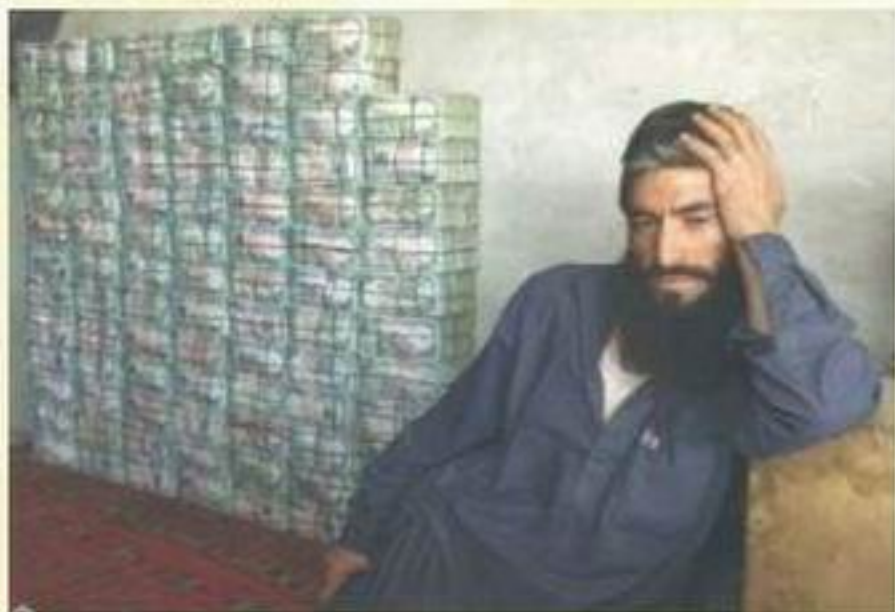
بعد از یک سلسله خله جنگی ها توجه مبدول داشته اند و در نیمه اول و دوم قرن بیستم روابط سیاسی و اقتصادی را با یک عله از کشور ها قائم نموده و در صدد شلند تا با افلا کمک ها و قرضه ها شلند. از راه ایجاد و ترمیم نمائند، و سبایل ترانسپورتی را مهابا و شلای قابل هندور را از قبیل پوست باب و میوه جات خشک را به خارج از کشور انتقال دهند و در عوض اموال و اشیا طرف نیاز مردم را ورود بسلارند. نرخ های مستقبل و مالیات گمرکی را با سلالی اموال صادراتی و هم اموال وارداتی مجاز و طرف ضرورت مبرم مردم کشور زمین و تجارت را به اینگونه رونق و انکشاف داده و برای تمویل مصارف خدمات اجتماعی دولت از محصولات و مالیات ارضی و مواشی و تجارت -

استفاده کرده و مکاتب را در قرا و دهات ایجاد و بعد ها مکاتب ابتدائی را به لیسه ها در مراکز شهر ها مبدل کرده و بالاخره تعدد آن و ایجاد پوهنتون در مرکز و در اواخر در ولا یانیکه از نگاه معارف سابقه زیاد داشته و پر نفوس بود در شرق، جنوب و جنوب غرب و شمال کشور صورت گرفت.

در مرکز کابل فارغان چیره دست لیسه استقلال جهت تحصیلات عالی به فرانسه و از لیسه عازی به سربانیا و از لیسه حبیبیه به آمریکا، آلمان و از مدارس علوم دینی به مصر، و بعد آ به انجمناد شوروی سابق و در بگر کشور های اروپایی شرقی اعزام میشدند. همه در رشته های اختصاص تربیه شده و بحیث کبر های عالی و ورزیده به کشور جهت انجام خدمت عودت نمده بنا سطح استخدام با ایجاد ادارات و موسسات طرف نیاز بالا میگرفت.

جهت تهصیلات در تجارت در پهلوی بانک مرکزی بسانک های اختصاصی ایجاد گردیده تکامل فعالیت های بانکی جهت تحفظ تناسب لازم و تأمین سیاست کریدتی عمده بمنظور تولید مواد اولیه مردم در انکشاف نمایندگی های بانک در اطراف و اکناف کشور و استفاده از قرضه ها و کمک های بسانک جهانی، صندوق و جهی بین المللی انکشاف آسیائی و بانک انکشاف اسلامی بمنظور رشد اقتصاد جهت انکشاف معاملات بانکی اقدامات مؤثر صورت گرفته، سرمایه گذاری خارجی شرکت های مختلف افغانچی، افسور و هوسوخت... و همچنان ایجاد نمایندگی ها در خارج از کشور مانند افغانستان تربیت کمپنی لندن، افغان تربیت کمپنی نیویارک، افغانستان امریکسن در نیویارک، نمایندگی بانک ملی در هامبورگ، شرکت بلخ همبورگ، نمایندگی هادر چین، پشاور، کراچی جهت کمک و فراهم آوری تهصیلات لازمه به انتقالات اموال ترانزیتی از خاک پاکستان اثرات مثبت در رشته تجارت و اقتصاد کشور داشت.





(ایکو) استفاده کرده نتوانستند در نتیجه زراعت نابود و ساختمان در مسی و مکتب، مدارس، مساجد و شفاخانه ها را تخریب و سلاخه کدرهای ورزیده استادان، متخصصین رشته های مختلف، علما و متفکرین به فقر مواجه شده و تعداد بیشتری به شرق و غرب فرار کردند. اقتصاد کشور که در حال رشد نسبی بود تا به تازمان و بی پایه گردید و کشور مارکیت تولیدات پدید اموال و امتعه تجارتنی پاکستان و دیگر کشور ها شد.

نظام اجتماعی و پیشرفت اقتصادی هر کشوری بر پایه فعالیت های دسته جمعی سازمان های مشکله آن استوار میباشد. بنا بر این اعمار و احبای مجدد اقتصاد جنگ زده کشور به سهیم گیری و اشتراک فعال همه نهاد های اقتصادی جامعه حتمی پنداشته میشود. بنا در نظر داشت منافع ملی کشور آنچه از سرمایه های ما در خارج کشور بحال و کودوبا در دوران تجاروت و سرمایه گذاری قرار دارد دلسوزانه به وطن برگردانند.

و مارکیت های خوبی را در داخل کشور ایجاد و غرض رفع یسمانی کشور سهیم شده سطح در آمد ملی را که عبارت از ارزش خالص کلیه فعالیت های اقتصادی یک جامعه در ظرف یک سال میباشد بالا برده و سطح اقتصاد فردی را بهبود بخشید. در شرایط کنونی که فرصت خوبی برای اعمار مجدد اقتصاد کشور زیر نظر ملل متحد میباشد، کشور های کمک کننده باید به وعده هایشان عمل کرده و در کوتاه مدت پول وعده شده را به دولت موقت کمک نمایند، و همچنان بسا جلب و جذب سرمایه گذاری های خارجی در استخراج معادن و برگشت سرمایه گذاران افغانی به کشور، میتوان اقتصاد کشور را دوباره اعمار کرد تا با هم در صف کشورهای روبه انکشاف قرار گرفته از مزایای اقتصاد سالم و با نظم مستفید گردیده به مردم خود زندگی مرفح را تأمین و دنبال نماییم.

بنا بر انکشاف زراعتی در گوشه زراعت و مالداري با اغل کمک ها و قرضه ها و تهیه ماشین آلات زراعتی، کود کیمیاوی برای تأمین بیشتر بسندل مساعی میشود، بسندل صنعتی بسا دادن قرضه در ایجاد و انکشاف صنایع تولیدی مصدر خدمات گردیده، نساجی گلبهار، بگرام، پل خمری قسمت اعظم احتیاجات نساجی کشور را مرفوع و شمسرکت هوشمند است ادویه طرف نیاز مردم را در کیفیت خوب آن تهیه میشود، فابریکات و کارخانه جات امور تخنیکي نیاز مبرم شعب دولت را انجام میدهد.

در اثر طرح پلانهای اقتصادی و نتیجه گیری لازم و بموقع از پروژه های زراعتی و صنعتی با جلب و جذب کمک ها و قرضه ها و از درآمد چشمه های اسعاری، دولت توانست در قطار کشور های روبه انکشاف قرار بگیرد.

همچنان حکومت های اخیر بسندل مساعی میشود تا جهت بهبود و رشد این حالت بسا طراح و تدوین قوانین و مقررات و اصلاحات در رفع نواقص آنها در زمینه و نظم اقتصاد کشور مصدر خدمات بیشتر گردد.

در نتیجه این همه زیر سوال انقلاب غیر مردمی قرار گرفت. در کشور های جهان طوریکه مفهوم است انقلاب بسا غرض رفع عقب مانگی و کاستی ها صورت گرفته و بسا از نظام امور وضع اقتصاد کشور را از ر کودیکه محسوس بوده کشیده رشد را بدو الوصفی را در اقتصاد کشور جلوه داده اند. اما انقلابیکه در کشور ماصورت گرفت نتایج معکوس آن به بار آمد.

کشوریکه از زیات محصولات زراعتی خود کفا شده بود، به خرید آن محتاج شد. بسند و انهار ویران گردیدند، ماشین آلات زراعتی و صنعتی غارت و انتفصال داده شد، شاهراه ها غیر قابل استفاده و ممانعت ها در آن وزد و بند ها بعمل آمد، فعالیت های بانکی طور عموم قطع و سرمایه ها فرار و تلف گردیدند، محصول و مالیات قطع شده و عوائد دولت تقریباً به صفر تقریب نموده حتی توان نادیده موسسات، کارمندان دولت و انجام خدمات عادی امکان پذیر نبوده، نشر پول فزینگی به این منظور تشدید انفلاسیون گردیده قیمت ها به اوج آن رسیده مردم را در حال بیکاری به فقر مواجه ساخت. شرکت ها، موسسات صنعتی دولتی و خصوصی و فابریکات بسا همه ماشین آلات و لوازم آن دزدی و غارت شد. جنگلات قطع و انتفال گردید، استخراج معدن با وجود نیازمندی های اولیه آن زیر سوال قرار گرفته، آثار عمیق و پربها و کم نظیر آن بسا غارت و فروخته و انتفصال داده شد. بسبب ادامه جنگها و بسبب نظم های اداره دولت، کمک ها و قرضه های بانک های جهانی، صندوق و جهی بین المللی، بانک های انکشاف آسیائی و اسلامی قطع و به تعویق افتاده، از کمک های تخنیکي سازمان





حامد کرزای در یک نگاه



حامد کرزای که به عنوان وزیر دولت موقت برگزیده شد ۴۶ ساله و برای نخستین بار در اوایل ۱۹۸۰ و در حالیکه ۲۵ ساله بود به افغانستان گریه و می از مجاهدین افغان علیه شوروی سابق، خود را در عرصه سیاسی و نظامی افغانستان مطرح کرد. کرزای از قبیله پشتون زبان «پوپلزی» قندهار است و پدر بزرگ و پدر وی نیز از رهبران این قبیله محسوب می‌شدند.



پدر وی از سیناتورهای دوران شاهی محمد ظاهر، در سال ۱۹۹۹ در شهر کوئته پاکستان ترور شد و اکثر گزارش‌ها حکایت از این داشت که طالبان در ترور پدر وی دست داشته است. حامد کرزای که در اواخر دهه ۱۹۸۰ به همراه خانواده اش در کوئته پاکستان زندگی میکرد پس از مرگ پدرش از رهبران بنفوذ قبیله پوپلزی افغانستان شد که در ضمن فعلاً با خاندان سلطنتی ظاهر شاه پیوند و نسبت عمیق دارد.



حامد شش برادر و یک خواهر دارد که سه برادرش از او بزرگتر هستند و خانواده اش فعلاً در آمریکا زندگی میکنند و مالک رستوران‌های شیک و گرانبه در شهرهای شیکاگو، بوستون، سانفرانسیسکو و بالتیمور هستند. وی از دواغ کرده ولی فرزندی ندارد. وی در نخستین دولت پس از حکومت کمونیستی مسئولیت معاونت وزارت خارجه دولت اسلامی افغانستان را به عهده داشت.

کرزای همچنان در اوایل قدرت گیری طالبان با این گروه ارتباط داشت و حتی قرار بود به عنوان نماینده این گروه به سازمان ملل اعزام شود ولی بعداً با طالبان اختلاف پیدا کرد و به پروسه صلح رم تحت رهبری محمد ظاهر، شاه سابق افغانستان پیوست. طی پنج سال گذشته وی به عنوان نماینده ظاهر شاه ریزی های زیادی را با کشورهای همسایه افغانستان، آمریکا و دول اروپایی، همچنین شخصیت های افغان برای تشکیل لویه جرگه انجام داده است. وی کارشناس علوم سیاسی است و شناخت خوبی نسبت به فرهنگ و تمدن غربی دارد. وی همچنین به زبان انگلیسی مسلط است.

جان یک آمریکایی دو میلیون و یک افغان یک هزار دلار می ارزد!

قرار داده دولت آمریکا به هر خانواده افغان که در جریان بمباران مناطق غیر نظامی، اعضای فامیل و خانه هایشان را از دست داده اند، یک هزار دلار پرداخت خواهد شد. در حالیکه به بازماندگان کسانیکه در حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر جان خود را از دست دادند، یک میلیون و ۸۵۰ هزار دلار غرامت پرداخت می‌شود. مطبوعات آمریکا می‌نویسد: به هزاران نفر از مردم افغانستان که در نتیجه بمباران کور کورانه و بی هدف آمریکا و با اثر قحطی و ترسیدن مواد غذایی به مناطق دور افتاده جان خود را از دست داده اند، خساراتی پرداخت نخواهد شد.

قربانیان حادثه ۱۱ سپتامبر کمتر از سه هزار نفر هستند که این رقم به مراتب کمتر از قربانیان مظلوم افغان اعم از زن، مرد، کودک و افراد مسن می‌باشد. تا به حال هیچ نوع خبری مبنی بر اینکه چه تعدادی از افغانان کمک هزار دلاری وعده داده شده از سوی آمریکا را دریافت کرده اند، اطلاعی در دست نیست.





مناطق حساس آسیای میانه



افغانستان:

جمعیت: ۲۶۸۱۲۰۵۷ نفر.

زیر ۱۵ سال: ۴۲.۲ فیصد.

۱۵ سال تا ۶۴ سال: ۵۵ فیصد.

۶۵ سال به بالا: ۲۸ فیصد.

۳۷ فیصد از جمعیت پشتو، ۲۵ فیصد تاجیک، ۱۹ فیصد هزاره، ۱۹ فیصد لُزیک.

مذهب: ۸۴ فیصد سنی، ۱۵ فیصد شیعه و یک فیصد مذاهب مختلف.

میزان سواد: ۳۱.۵ فیصد کل جمعیت مردان ۴۲.۲ فیصد، زنان ۱۰ فیصد.

حد متوسط زندگی انسانها ۴۶.۲ سال است. تولد سالانه: ۴۴.۴۲ از هر هزار نفر مرگ

کودکان: از هر هزار نفر ۱۴۷.۰۲ کودک.

دسترسی به آب آشامیدنی: ۲۲ فیصد کل جمعیت.

سازمان دولتی: فعلاً دولت موقت برای شش ماه.

اقتصاد: متوسط درآمد سالانه ۸۰۰ دلار. مواد مخدره (در دوران طالبان)

کشاورزی: کشت تریاک، گندم و میوه.

صادرات: تریاک، میوه، قالین، جواهرات قیمتی و مصنوی.

پاکستان

جمعیت: ۱۴۲،۶۱۹،۶۳۹ نفر. زیر ۱۵ سال: ۴۰.۵ فیصد.

ترکیب جمعیت: پنجابی ۵۵ فیصد، پشتو ۱۴ فیصد، سندھی ۱۲ فیصد، مهاجر ۸

فیصد، بلوچ ۸ فیصد و بقیه ۳ فیصد.

میزان سواد: ۴۷.۷ فیصد. مردان ۵۵.۲ فیصد، زنان ۲۹ فیصد.

حد متوسط سن ۶۱.۵ فیصد. مرگ کودکان ۸۰.۵ از ۱۰۰۰ نفر، تولد ۳۱.۲ از هر یک

هزار نفر.

دسترسی به آب آشامیدنی: اکثریت مردم به آب آشامیدنی نسبتاً سالم دسترسی ندارند.

سازمان اجتماعی: نیمی از جاده ها خرابه و قابل استفاده نیست و ۸۱۶۲ کیلومتر خط

آهن دلتنه و ارتباطات عقب مانده است.

سازمان دولتی: کودتا به رهبری ژنرال پرویز مشرف در سال ۱۹۹۹ که در حال حاضر

رئیس جمهور است. تعدادی حزب سیاسی اجازه فعالیت دارند. اقتصاد: درآمد

متوسط سالانه ۲۰۰۰ دلار، ۴۰ فیصد جمعیت در فقر زندگی میکنند.

کشاورزی: پنبه، گندم، برنج و ذرت.

تولید صنعتی: تکه، آلات ساختمانی، کاغذ.

صادرات: تکه، برنج و سایر تولیدات کشاورزی.

قوای نظامی: ۲۵،۷۷۰،۹۲۸ نفر سرباز، بودجه نظامی ۲.۴ میلیارد دلار و ۲۵ بم اتمی

دارد.



ایران

جمعیت: ۶۶،۱۲۸،۹۶۰ نفر.

زیر ۱۵ سال: ۶۲.۴ فیصد، ۶۵ سال به بالا:

۴.۶ فیصد.

ترکیب جمعیت: ایرانی ۵۱ فیصد، آذری ۲۲ فیصد، گیلک و مازنی ۸ فیصد، کرد ۷

فیصد، بقیه ۱۰ فیصد.

مذهب: ۸۹ فیصد شیعه سنی ۱۰ فیصد و یک فیصد یهودی، یهائی مسیحی.

میزان سواد: ۷۲.۱ فیصد با سواد مردان ۷۸.۴ فیصد، زنان ۱۷.۱ فیصد.

حدود متوسط زندگی ۶۹.۹۵ سال، تولد سالانه ۱۷.۱ از هر یک هزار مرگ کودکان

۲۹ کودک از هر یک هزار نفر.

دسترسی به آب آشامیدنی: بیشتر شهرها آب دارند و بده علت خوشکسالی

بیشتر دهات ایران دچار کمبود آب آشامیدنی هستند.

زیرساختهای اجتماعی: جنگ داخلی، جنگ ایران و عراق صدمه فوق العاده ای به

زیرساختهای سیاسی و اقتصادی وارد ساخت بطوریکه هنوز تجدید حیات نشده است.

سازمان دولتی: علی خامنه ای رهبری حکومت اسلامی را در دست دارد. محمد خاتمی

رئیس جمهوری که با یکدیگر در تصاد سابقه هستند، در رأس سازمان

های دولتی قرار دارند. مجلس انتخابی وجود دارد و گروه مخالف فعال است.

اقتصاد: درآمد سالانه ۶۳۰۰ دلار است.

صادرات: نفت، مشتقات نفت از قبیل بنزین، گاز، و بقیه و وسایل ساختمانی

و وسایل محدود جنگی تولید میکنند.

کشاورزی: تولید کننده غلات، ذرت، پنبه، گیاهان دارویی، آبن و عوامل

شیمیایی نیز تولید میکنند.

قوای نظامی: ۱۸۳۱۹،۳۲۸ سرباز، بودجه ۵.۸ میلیارد دلار که بیشترین مبلغ

در کشورهای غربی به مصرف میرسد. رابطه با آمریکا تلذنه و با ترور بسم به طرفی

اعلام کرده است.



روسیه

جمعیت: ۱۰۲۹.۹۹۱.۱۲۵ نفر است.

زیر ۱۵ سال تا ۶۲ سال: ۶۲ فیصد، ۶۵ به بالا ۴.۷ فیصد.

ترکیب جمعیت: هندو-آریایی ۷۲ فیصد، در اویدین ۲۵ فیصد بقیه ۳ فیصد.

مذهب: ۸۱ فیصد هندو، ۱۲ فیصد مسلمان، ۲.۳ فیصد سک، ۱.۹ فیصد بودایی.

پارسی و غیره ۲.۵ فیصد.

میزان سواد: ۵۲ فیصد با سواد، ۴۵ فیصد مردان، ۳۸ فیصد زنان.

اوسط سن ۶۲ سال، تولد ۲۲ نفر از هر ۱۰۰۰ نفر مرگ و میر کودکان ۶۳.۲

نفر از هر یک هزار نفر. تعداد زیادی از مردم به آب آشامیدنی دسترسی ندارند.

سازمان دولتی: جمهوری فدرال و پارلمانی بوده، تعدادی احزاب سیاسی.

اقتصاد: متوسط درآمد سالانه ۲۲۰۰ دلار، ۳۵ فیصد مردم در فقر زندگی میکنند.

کشاورزی: برنج، گندم، جو، چای، کچالو.

صنعت: تکه، مواد شیمیایی، مواد غذایی.

صادرات: تکه، سنگ های قیمتی، جواهرات و وسایل ساختمانی.

قوای نظامی: ۱۶۱.۲۲۲.۳۳۲ نفر، بودجه نظامی ۱۳.۵ میلیارد دلار.

(۶۰ دانه بمب لقی دارد).



ترکیه

جمعیت: ۷۰.۹۲۲.۵۵۷ نفر.

زیر ۱۵ سال ۲۳ فیصد، ۶۰ سال به بالا ۲ فیصد.

ترکیب جمعیت: عرب ۹۰ فیصد، آسیایی و آفریقایی ۱۰ فیصد.

مذهب: ۹۵ فیصد سنی، ۵ فیصد شیعه.

میزان سواد: ۶۲ فیصد با سواد، مردان ۷۱ فیصد، زنان ۵۰ فیصد.

حد متوسط زندگی انسانها ۶۸ سال است. تولد ۲۷ نفر از هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت: مرگ و میر کودکان ۵۱ نفر از هر هزار نفر.

آب آشامیدنی: میلیارد ها دالر برای تبدیل آب نمک آلوده اقیانوس به آب شیرین مصرف میگردد.

سازمان دولتی: سلطنتی و میراثی با انکای کامل به قوانین اسلامی. هیچ گونه حزب سیاسی وجود ندارد.

اقتصاد: متوسط درآمد سالانه ۱۰۵۰۰ دلار است. بزرگترین صادر کننده نفت جهان.

است. قوای نظامی بیشتر از ۵ میلیون نفر بودجه نظامی آن ۱۹ میلیارد دلار است.



هندوستان

جمعیت: ۱۰۹۷.۲۷۰.۱۴۵ نفر.

زیر ۱۵ سال ۱۸ فیصد، ۱۵ سال تا ۶۲ سال ۷۰ فیصد.

ترکیب جمعیت: روسی ۸۲ فیصد، تانار ۲ فیصد غیره ۱۴ فیصد.

مذهب: ارتدکس ۷۵ فیصد، مسلمان ۱۹ فیصد، بودایی، یهودی پروتستان و کاتولیک

۶ فیصد. حد متوسط سن ۶۷ سال، تولد ۹.۳۵ نفر از هر ۱۰۰۰ مرگ کودکان ۲۰ فیصد از هر یک هزار نفر.

میزان سواد: ۹۸ فیصد با سواد، مردان ۱۰۰ فیصد، زنان ۹۷ فیصد.

نیمی از مردم به آب آشامیدنی دسترسی دارند و در دهات ۶۶ فیصد از مردم به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند.

سازمان اجتماعی: ۷۵۲ هزار کیلومتر سرک قیرریزی و ۱۴۹ هزار کیلو متر راه آهن سیستم ارتباطات در حال توسعه است.

سازمان دولتی: اتحادیه فدراسیون و پارلمانی بوده با تعداد زیادی حزب مخالف.

اقتصاد:

درآمد متوسط سالانه ۷۷۰۰ دلار ۴۰ فیصد از جمعیت در فقر زندگی میکنند.

صادرات نفت، ذغال سنگ، گاز طبیعی، معادن، مواد شیمیایی، ماشینهای ساختمانی و کشاورزی و مواد غذایی.

قوای نظامی: ۲۷.۸۷۷.۱۲۷ نفر، بودجه نظامی ۱۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۰۲.



عربستان سعودی

جمعیت: ۶۷ میلیون نفر.

زیر ۱۵ سال ۲۹ فیصد، ۱۵ تا ۶۴ سال ۶۶ فیصد، ۶۵ سال به بالا ۶ فیصد.

ترکیب جمعیت: ۸۰ فیصد ترک ۲۰ فیصد کرد.

مذهب: ۹۹.۸ فیصد مسلمان که اغلب سنی هستند. غیر مسلمان ۰.۲ فیصد.

میزان سواد: ۸۵ فیصد با سواد، مردان ۹۴ فیصد، زنان ۷۷ فیصد.

حد متوسط سن ۷۱ سال است. تولد ۱۸ نفر از هر هزار نفر. مرگ و میر کودکان ۲۸ نفر از هر هزار نفر.

آب آشامیدنی محدود است.

سازمان دولتی: مذهب مداخله ندارد. دموکراسی پارلمانی است با فعالیت مخالفان.

اقتصاد: اوسط درآمد سالانه ۶۸۰۰ دلار.

قوای نظامی: ۱۸.۸۸۲.۲۷۲ نفر، بودجه نظامی ۱۱ میلیارد دلار.



قربانیان گمنام دریای دونا

مهاجرین بدبختی که بعد از طی راه های دور با صد مشکل بهای رسیدن به کشورهای غربی و آغاز زندگی جدید به لاقدره قبرستان پوشی مهاجرستان نقطه آخر منزل شان شد.

تصویری از مقبره های بی نام قبرستان پوشی نزدیک به بندر سلواک منطقه ای که بین سرحد مجارستان و سلواک است، بهترین راه برای قاچاقبران می باشد، بخاطر اینکه در این منطقه ۴۴ جزیره کوچک وجود دارد که در صورت بروز خطر میتوانند راه گریز خود را فراهم سازند.

در سال ۱۹۹۹ همچنان در بین سرحد اکران و مجارستان یک کشتی کوچک حامل مهاجرین توسط قاچاقبران در دریای غرق شد که سر نشینان آن در حدود ۱۸ تن هم از افغانان و چند تن از مهاجرین کشورهای دیگر بودند که در نهایت ۹ تن از آنها جان خود را از دست دادند.

قاچاقبران برای حمل هر یک از آنها از مجارستان تا به سلواک حتی ۱۰۰۰ دلار هم خواستار میشوند که مهاجر بچاره به وعده های دروغین قاچاقبر اعتبار کرده و نمی دانند که در حقیقت چه سرنوشتی را در نصیب دارد.

بارها از مهاجرین یکی در کمپ های مجارستان اقامت دارند شنیده ایم که در حال انتقال آنها از سرحد اکران به خاک مجارستان، افراد اکرانی آنها را همراهی میکنند و در جریان راه به اطفال کوچک تابلت بیهوشی میدهند که حتی تا مدت دوروز به حالشان بساز نمیکردند و خانمان حامله دل و زنان مسن را از دو دست و پایشان گرفته و به آنسوی دریایچه و با گدال پرتاب میکنند.

همچنان بارها شنیده ایم که حتی ۶۰ تن از مهاجرین را در یک اطاق هفته ها پنهان کرده و صرف نان خشک و آب برایشان میدهند.

دولت مجارستان از سال ۱۹۹۶ به این طرف به پذیرش مهاجرین کشورهای آسیایی اقدام کرده که متأسفانه بنابر ضعف وضع اقتصادی آن کشور، پرداخت حقوق مهاجرین قبول شده خیلی ناچیز بوده که ماهانه در حدود ۵۰ یورو برای فی تن پرداخت میشود، به تازگی فامیل مهاجر به مشکل میتواند پس از آمدن ناچیز از زندگی نورمال مستفید گردد. بدین لحاظ بیشتر از ۹۵ فیصد از مهاجرین یکی که داخل مرز مجارستان میشوند در تلاش آن هستند تا در اندک زمان از اینجا به کشورهای اروپای غربی البته غیر قانونی پناهنده شوند.

بسیار افزود که آنده از مهاجرین یکی که داخل مرزهای این کشور میشوند، بدون در نظر داشت اینکه با خود اسنادی مانند (تذکره و یا پسانس افغانی و غیره) داشته باشند تا هویت شان به اثبات برسد، در صورت دستگیری شان از طرف مقامات سرحدی، بنابر قانون این کشور، حتی تا مدت ۱۸ ماه در کمپ های نظامی زندانی میشوند، که در این صورت مسؤولیت دفتر ملل متحد است که آنها را از زندان نظامی به کمپ های دیگر انتقال دهند که متأسفانه این پروسه از جانب مسؤولین ملل متحد این کشور خیلی کند و آهسته صورت میگیرد.

در قبرستان (پوشی) مجارستان نزدیک به سرحد سلواک، در این چند سال اخیر تعداد مقبره هایی بینام بیشتر به نظر میرسد، که هیچ کس نمیداند که آنها کی هستند و از کجا آمده اند و بندرت میتوان بالای این مقبره ها دسته گل را چشم دید.

در حقیقت آنها آنده زنان مردان و اطفال بدبخت مهاجری هستند که توسط قاچاقبران، غیر قانونی از دریای دونا مجارستان به خاک سلواک عبور میکردند که تا از آن طریق به کشورهای اروپای غربی مهاجرت کنند، که در نتیجه در دریای دونا غرق شدند و بعد از سیری کردن راه دور با صد مشکل به جای رسیدن به مقصد و آرمایشان قبرستان پوشی آخرین نقطه منزل زندگی شان شد.

در ۱۸ مارچ سال جاری در نزدیک سرحد مجارستان با سلواک جسد دومرد دیگر را از دریای دونا بیرون کشیدند که هویت آنها تثبیت نشد و بالاخره مسؤولان آن ناحیه آن دو جسد را پهلوی مقبره های بی نام دفن کردند.

در اواسط سال ۲۰۰۱ با شنیدن خبر تلخ یک خانواده افغان که هنگام عبور به آن طرف سرحد در دریای دونا غرق شدند، هفته ها خیال مان را راحت نمیکرداشت.

خانواده افغان زن و شوهر با دو طفل شان همراه با یک تن از قاچاقبران در هنگام شب در حال عبور از دریای دونا به طرف سرحد بودند.

کشتی کوچک چوبی حامل آنها موازنه خود را از دست میدهد و بالاخره آنها به دریای غرق میشوند.

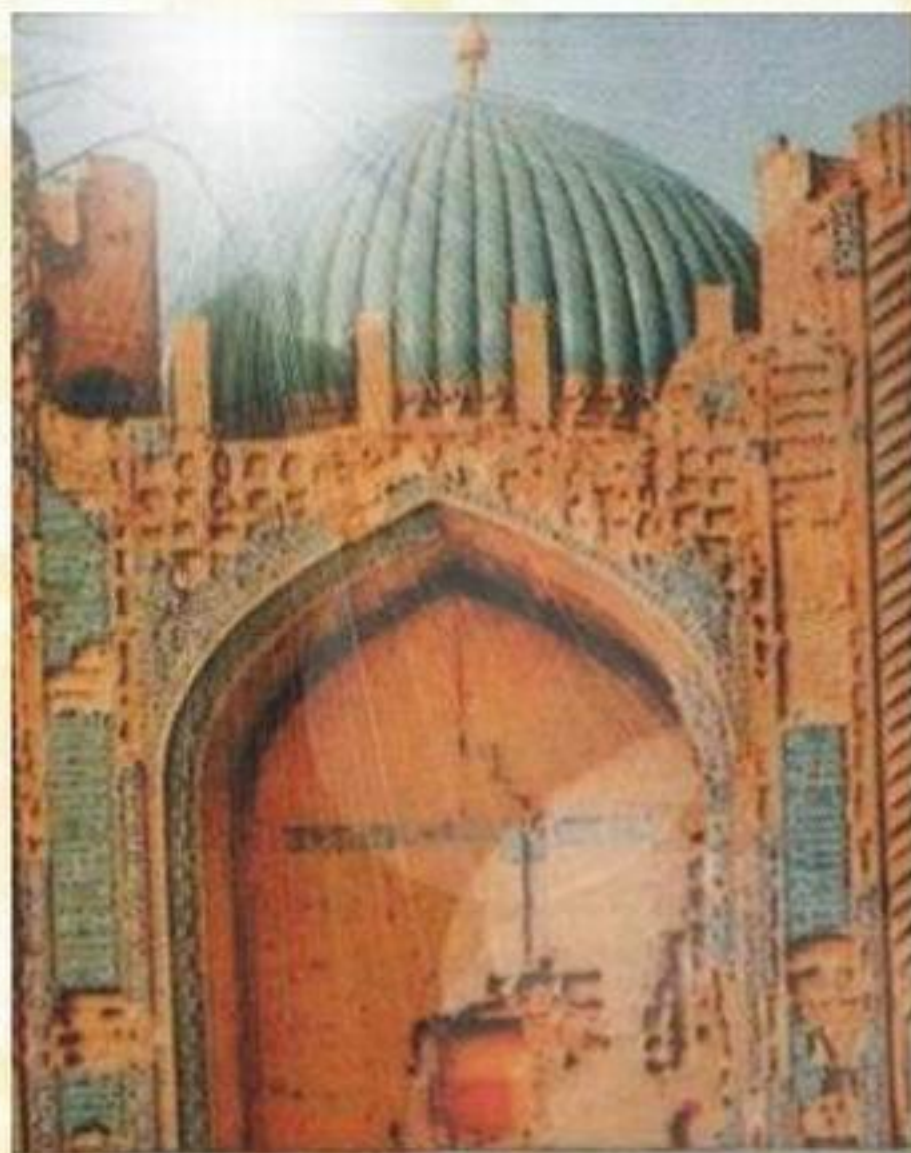
مرد جوان میگوید تا فامیل اش را نجات دهد اما فایده ای نداشت چرا که در آن موسم از نفعی سطح آب دریای دونا نسبت به اوسط نورمالش بلند بود و سرعت آن بیشتر. شوهر میبند که زن جوان با دو طفل کوچک اش در امواج دریا دست و پا میزنند و آب آنها را بیحرمانه در اعماق خود کشیده و به سرعت دور میبرد و هیچ کاری از دستش ساخته نبود و بالاخره چاره ای نمی بیند و ناچار در تلاش نجات خود شده و به مشکل خود را به کنار دریا کشیده نجات مییابد.

آن مرد قاچاقبر بدون آنکه حتی به نجات آنها کوششی کند پیر جسمانی آنها را در حال خود را کرده، خود را به کنار دریا میکشاند.



چند یک تن از مهاجرین بی نام که در مارچ سال جاری از دریا کشیده شد

در قرن سیزدهم میلادی شرق بر محور فرهنگ اسلام
خمیرمایه فرهنگ علمی جهان را فراهم میکرد.



از شرق به غرب

دین اسلام از ابتدای پیدایش آن یعنی اوایل قرن هفتم تا قرن سیزدهم میلادی که امپراتوری اسلام بدست مغول منحل گردید، بزرگترین امپراتوری آن روزگار را تشکیل میداد و از لحاظ علمی هم تا قرن سیزدهم پیشرفته ترین فرهنگ جهان بود. در آن زمان آمریکا وجود نداشت و چین هم که داری فرهنگ غنی و قدیمی میباشد و از های خود را تا اواخر قرن هفدهم بسته بود و در تولید و پرورش تمدن فعلی دخالت مستقیمی نداشت.

در واقع میتوان گفت که شرق بر محور فرهنگ اسلام قرار داشت، تا قرن سیزدهم میلادی خمیرمایه فرهنگ علمی جهان را فراهم میکرد. و.....ایده افزود که مغز متفکر فرهنگ اسلام را در شرق دانشمندان ایران و خراسان (افغانستان فعلی) تشکیل میدادند.

اما در مورد اینکه فرهنگ شرق تا قرن ۱۲ میلادی (زمان حیات مولانا جلال الدین بلخی) پیشرفته ترین فرهنگ جهان نبود، نظریه «سرپرستی ساساکس» دانشمندان و تاریخ نویس قرن بیستم انگلیسی را امروز میکنیم.

او میگوید: «اروپاییان که در بعضی اوقات شرق را از روی جهالت به نظر حقارت مینگرند، لازم است ترقی و پیشرفت مسلمانان را در آن قرون در هر یک از رشته های دانش و ادب و نیز صنایع و فنون، با ظلمت و نادانی که سراسر اروپا گرفته بود مقایسه کنند. باید گفت که شرق در تمام زمینه های فعالیت عقلانی بر غرب که گرفتار ظلمت و نادانی بود برتری داشت. تا قرن ۱۲ دنیای مسیحیت نتوانست طوق تقلید شرق را از گردن خود دور سازد.

علت پیشرفت فرهنگ اروپا از قرن ۱۳ میلادی به بعد آن بود که اولاً فرهنگ شرق وقتی به غرب انتقال پیدا میکند که مراحل اولیه تحصیل و تکامل خود را گذرانده بود، و ثانیاً دین مسیحیت که حاکم بر اروپا بود شریعتی مسجّم و بسته مانند دین اسلام نبود و نتیجتاً کلیساهای اروپا از دوره رنسانس نتوانستند از آثار علمای یونان مانند افلاطون و ارسطو استفاده کنند. نمونه آن، کتاب کلیات الهیات اثر سن توماس در قرن سیزدهم (۱۲۲۵-۱۲۷۴) فیلسوف بزرگ ایتالیایی میباشد که آثار ارسطو را با عقاید مسیحیت پیوند داد و این کتاب در مدارس مذهبی تدریس میشد. با وجود همه اینها، از قرن ۱۳ تا اواخر قرن ۱۸ (در سال ۱۷۸۹) که انقلاب کبیر فرانسه رخ داد، بزرگترین و وحشتناکترین جنگ های بین مذهب و علم در اروپا

جریان داشت و حتی در اوایل قرن ۱۷، بزرگترین جنگ مذهبی در سوئیس اتفاق افتاد. دوران تفتیش عقاید در اروپا قرن ۱۶ و ۱۷ و کوره های آدم سوزی از جمله آثار مبعسارتات بسین مذهب و علم است. و اما در اوایل قرن هفتم میلادی، حضرت محمد پیامبر اسلام، از قبیله بخت پرست قریش ظهور میکند. در این زمان حکومت رم شرقی (بیزانس) و حکومت ایران که دو امپراتوری قدرتمند روز بودند، در نتیجه جنگ های متوالی که آخرین آنها ۵۰ سال بسطول انجامید، ضعیف و ناتوان شده بودند و از درون آنها هم، اکثریت مردم نارضی بودند چنانکه در دوره ساسانیان مردم بصورت طبقاتی زندگی میکردند و به طور مثال یک دهقان حقی نداشت طبیب، روحانی و یا نظامی شود و همینطور در مورد افراد سایر طبقات هر ماز و ایان و پیشوایان مذهبی مالک جان و مال مردم بودند و مانع پیدایش و گسترش هر نوع تفکر جدید میشدند.

با ظهور دین اسلام و اساس آن یعنی قرآن که از طرف خداوند بر حضرت محمد برای راهنمایی و تنظیم امور افراد و جامعه و کشف اسرار خلقت و بیان علوم و غیره نازل شد، چنانکه این آیت قرآن میفرماید: «لارطب ولای یابس الا فی کتاب المبین» یعنی چیزی از تر و خشک نیست که در قرآن نباشد.

به اعتبار همینگونه آیات بود که عمرو عاص بدستور عمر خلیفه دوم اسلام، کتابخانه های ایران را آتش زد.

اعراب به علوم و دانش توجه نداشتند و در نتیجه فرهنگ علمی امپراتوری اسلام به وسیله مغزهای ایرانی و خراسان زمین تدوین و گسترش پیدا کرد.



هند و پاکستان، دو کشور

با بیش از نیم قرن تنش

ناپیش از سال ۱۹۴۷ یعنی وقتی بریتانیا مجبور به ترک مناطق شبه قاره شد، هند و پاکستان در واقع یک کشور را تشکیل میدادند. اما بریتانیا بخاطر ادامه سلطه نسبی خویش در آن قاره با استفاده از تشنجات مذهبی و قومی در آن سرزمین حمایت و کمک های مالی به سرداران مسلمان موفق شد تا در سال ۱۹۴۷ این کشور را به دو بخش تقسیم کند: هند و پاکستان.

از آن زمان تا اکنون این دو کشور به صورت دشمنان اصلی یکدیگر درآمده اند و تا حالا سه بار با یکدیگر وارد جنگ شده اند، و علیرغم تلاش هایی که تا اکنون صورت گرفته است تنش بین دو کشور کاهش نیافته است.

استقلال و دو پارچه شدن کشور

تقسیم شبه قاره به دو کشور هند و پاکستان به آرامی صورت نگرفت و شورشیها و تنشهای قومی و مذهبی بخصوص بین مسلمانان و هندوها در گرفت. در حدود نیم میلیون نفر در این درگیریها جان خود را از دست دادند. تهداد کشته شده گان در ایالت پنجاب از بقیه نقاط بالاتر بود چرا که به هنگام تقسیم این منطقه دو تکه شد. بخشی از آن در هند و دیگر در پاکستان قرار گرفت.

میتوان گفت که مسئله مالکیت کشمیر پر جنجال ترین قضیه برای رسیدن به تفاهم دو جانبه از جمله چند مشکل کوچک بین دو کشور میباشد.

منطقه کشمیر به هنگام تقسیم شبه قاره دارای اکثریت مسلمان بود اما حاکم این منطقه راجه نشین یک محاراجا هندو بود.

پاکستان میگوید بدلیل اینکه اکثریت مردم این ایالت مسلمان هستند، کشمیر در سال ۱۹۴۷ باید به پاکستان ملحق میشد. پاکستان به این عقیده است که قطعنامه های متعدد سازمان ملل متحد در خصوص کشمیر بدین معنی است که مردم کشمیر باید اجازه داشته باشند تا در یک همه پرسی و انتخاب آزاد بتوانند سر نوشت خود را برای پیوستن به هند و پاکستان تعیین کنند.

اما دولتمردان هند بر داشت دیگری از وقایع ۱۹۴۷ دارند. مقامات هند میگویند کشمیر بخشی از هند است، چرا که بر اساس سند الحاقی که مهاراجا وقت کشمیر با دولت هند در اکتبر ۱۹۴۷ به امضای رساند و اختیارات مربوط به دفاع، مخابرات و امور خارجی را به دهلی نو واگذار کرد.

از سوی دیگر مقامات هندی معتقدند که بر اساس معاهده شیملای که در سال ۱۹۷۲ بین خانم ایندیرا گاندی نخست وزیر وقت هند و ذولفقار علی بو تو همای پاکستانی او بسته شد دو کشور موافقت کرده اند با قضیه کشمیر را در مذاکرات دو جانبه و نه از طریق سازمانهای بین المللی مثل ملل متحد حل و فصل کنند.

هند و پاکستان تا اکنون سه بار وارد جنگ شده اند. دو بار بر سر مساله کشمیر یعنی در سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۶۵ و بار سوم در سال ۱۹۷۱ بر سر قضیه پاکستان شرقی که اکنون بنگلادیش نام دارد.

بطور کلی میتوان گفت حدود یک سوم غرب منطقه کشمیر در کنترل پاکستان

تاریخ پر آشوب کشمیر

- * اگوست ۱۹۷۴ هند و پاکستان استقلال خود را بدست آوردند.
- * اکتبر ۱۹۴۷ جنگ بین هند و پاکستان.
- * جولای ۱۹۴۹ آتش بس بین دو کشور، بخشی از کشمیر تحت کنترل پاکستان قرار گرفت.
- * سپتامبر ۱۹۶۹ جنگ مجدد بین دو کشور باز بر سر کشمیر.
- * اواخر سال ۱۹۷۱ جنگ بر سر بنگلادیش.
- * ۱۹۷۲ امضای موافقت نامه شیملای.
- * شروع درگیریها در کشمیر.
- * جولای ۱۹۹۹ درگیریهای دو کشور در منطقه کارگیل در کشمیر.

ش. رش و نارامی در کشمیر در سال ۱۹۸۹ شروع شد. از آن زمان تا اکنون مقامات هندی ادعا می کنند که پاکستان به شورشی منطقه که خواستار جدایی کشمیر هستند کمک میکند. اما مقامات اسلام آباد می گویند که پاکستان فقط از این افراد حمایت معنوی می کند.

هند و پاکستان درگیر مسابقه هسته ای

هند تلاشهای خود را برای دستیابی به سلاح اتمی را در اواسط سال ۱۹۶۰ و پس از آنکه چین سلاح اتمی خود را به آزمایش گذاشت شروع کرد. در سال ۱۹۷۴ اولین آزمایش هسته ای خود را به مرحله اجرا گذاشت. چند سال پس از این واقعه پاکستان برنامه های هسته ای خود را آغاز کرد. هر دو کشور برنامه های راکتی خود را نیز فعال کرده ادامه میدهند.

یازدهم ماه می سال ۱۹۹۸ هند اعلام کرد که سه آزمایش هسته ای را به انجام رسانده است. دو روز بعد مقامات هندی اعلام کردند که هند دو آزمایش هسته ای دیگر را نیز انجام داده است. این آزمایش ها با واکنش شدید جامعه بین المللی روبرو شد. در همین حال جامعه بین المللی از پاکستان خواست تا خوب بشنوداری نشان دهد و دست به واکنش متقابل نزند.

اما پاکستان در ۲۸ ماه می ۱۹۹۸ اعلام کرد که این کشور دست به پنج آزمایش هسته ای زده است. این عمل پاکستان نیز با واکنش شدید بین المللی مواجه شد.

امتحان کانکور در پوهنتون کابل



پس از پنج سال اولین امتحانات کانکور در پوهنتون کابل برگزار شد که ۲۷۵۲ نفر شامل آن از طبقه انات بودند.



اولین مسابقه فوتبال در افغانستان بعد از دوره طالبان



اولین مسابقه فوتبال افغانستان بعد از دوره طالبان، بین تیم منتخب کابل و تیم منتخب نیروهای هشت کشور حافظ صلح، با حضور بیش از ۲۵ هزار تماشاچی در استادیوم کابل برگزار گردید.

بعد از چندین سال، اولین بار فریاد شادمانه تماشاگران افغان، فضای شهر غم زده کابل را فرا گرفت.

استقبال از این دیدار به حدی بود که هزاران نفر از مشتاقان این بازی به خاطر پر شدن استادیوم نتوانستند وارد آن شوند، بنا به درخواست شروع به پرتاب سنگ به سمت پلیس کرده و از دیوارهای استادیوم خود را به داخل پرتاب میکردند، که در میان پلیس و تماشاگران هوایی مردم را کنار میزدند.

جالب ترین نکته در این مسابقه آن بود که بازیکنان افغان با حفظ رفتن های تکنیکی خوبی نخستین گول را به ثمر رساندند. تیم محافظین صلح که چنین جوابی را از بازیکنان تیم افغان تصور نمیکردند، در اوایل مسابقه تحت تاثیر آمده که بعد از بسیار سریع به حالشان آمدند که در نتیجه مسابقه سه بر یک به نفع تیم محافظین صلح به پایان رسید.

این مسابقه را فدراسیون فوتبال افغانستان که اخیراً دوباره تشکیل شد، به کمک اتحادیه فوتبال انگلستان و دو چهره محبوب فوتبال بریتانیا ترتیب داده بودند.

«گری مپس» مدافع سابق تیم انگلستان، مربی تیم منتخب افغانستان را به عهده داشت که تمرینات لازم را به آنها میداد.



تلاش کشورها برای بازی فیلم برای سینمای افغانستان



اکنون که جنگ در افغانستان به پایان رسیده و مسابقه بازسازی آن کشور آغاز شده است، سینمای ایران به فکر آن افتاده که در کشور فارسی زبان همسایه جای پای بیابد. اتحادیه تهیه کنندگان فیلم ایران تصمیم گرفته است ۲۰۰ فیلم سینمایی را به افغانستان بفرستد و در آمد حاصل از آن صرف بازسازی و تجهیز سینماهای آن کشور کند. تلاش دارند با برگزاری یک جشنواره فیلم به مناسبت نوروز در افغانستان، پل ارتباطی و بازار سازی در آن کشور آغاز کنند.

ولی سخنگوی انجمن سینماداران ایران میگوید که به این کار چندان امیدوار نیست بخاطر اینکه فیلم های که قرار است به افغانستان ارسال شود، حتی در خود ایران کسی آنها را نمی بیند و این کار مناسب نیست، اگر میخواهیم فرهنگ سازی کنیم نباید فیلم های خوبی که در این چند سال تهیه شده به نمایش بگذاریم.

این در حالی صورت میگیرد که سینمای هند در چند ماه اخیر پیشقدم از همه دست به این کار زده و بازار فیلم های خود را در افغانستان دوباره رونق داده است و همچنان به زودی فیلم های آمریکایی نیز بازار خود را در این کشور رونق خواهد داد.



از گوشه و کنار وطن

استفاده بیش از آنتن ها در افغانستان مورد شده

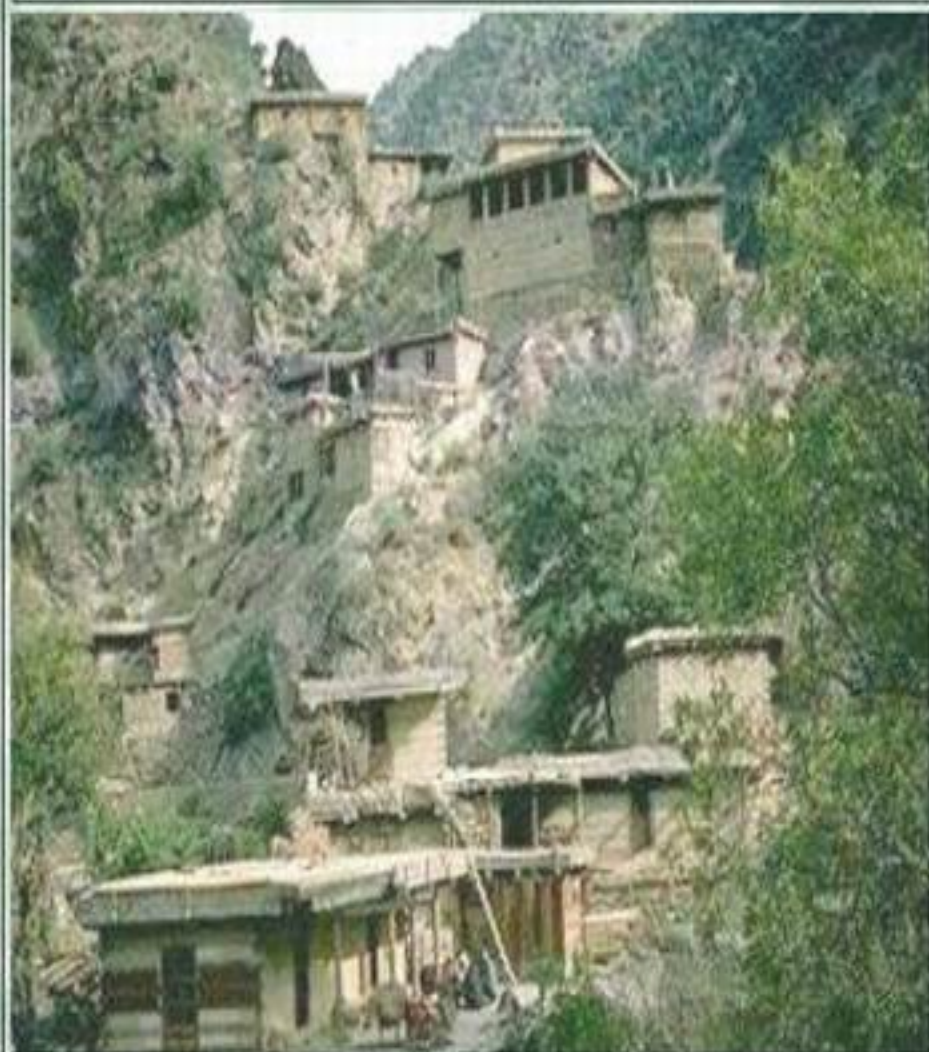
استفاده از دیش آنتن ها در شهر کابل و دیگر ولایات روز به روز به سرعت در حال گسترش است.

فعالان حسد و د ۲۹ چاینل تلویزیونی از سراسر جهان در نقاط مختلف افغانستان قابل دریافت می باشد.

این آنتن ها حتی از پشت بام خرابه های شهر کابل که بعضی از آنها متعلق به خانواده های بی بضاعت است، نیز مشاهده می شود.

تنها در کابل ۶۰ شرکت و ده ها مغازه ویدیو کست این دستگاه ها را عرضه می کنند.

یکی از فروشندگان این دستگاه میگوید: روزانه بیش از ۱۵ آنتن را برای ادارات و شرکت های دولتی و همچنین افرادی در این شهر نصب میکنند. وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان میگوید: دولت در صدد ارائه طرحی برای قانونمند کردن استفاده از دیش آنتن ها، ویدیو کست و کست ها می باشد. خرید سی دی های صوتی و تصویری نیز در افغانستان رواج یافته است.



افغانستان مکان دیدنی برای توریستان بی باک

پیش بینی می شود که افغانستان در چند ماه آینده به محل دیدنی برای توریستان بی باک تبدیل خواهد شد.

عبدالرحمن مسئول خدمات توریسم در افغانستان طی مصاحبه ای با خبرنگار فرانسه گفت که در های این کشور بعد از ۲۳ سال جنگ نخستین بار برای توریسم و سیاحت باز شده است. بسیاری از جهانیان کنجکاو هستند که افغانستان را به ویژه پس از آنچه به تازگی ها در تلویزیون دیده اند، از نزدیک مشاهده کنند.

او پیش بینی میکند که ممکن بعد از سه الی چهار ماه آینده، توریستان اروپایی، کشورهای اسلامی و آمریکا از افغانستان دیدن خواهند کردند و به خصوص توریستان آمریکایی علاقمند دیدار از غار تورابورا مخفیگاه بن لادن و قندهار پایگاه ملا عمر هستند. در حال حاضر توریستان را به غار تورابورا نمی فرستند ولی بعد از چند ماه به تامین امنیت در آنجا وظیفه دشواری پیش رو خواهند داشت.

عبدالرحمن افزود که در ۲۳ سال جنگ و در درگیری های مختلف میان گروه ها از زیر بنای ساختار اقتصادی این کشور چیزی باقی نماند است. هتل های مجلل فاقد معیار های بین المللی هستند. علاوه بر آن حدود یک میلیون مین پراکنده در سراسر این کشور وجود دارد. مسئولان این کشور به خوبی از این مشکلات آگاهی دارند و تدابیر لازم را برای امنیت جانی توریستان در برخی از جاها مهم از جمله کابل، دره پنجشیر و شهر قدیمی هرات به کار میگیرند.

زن

جغرافیای زنان



* زن در بین سنین ۱۵ و ۱۸ مانند چین و ایران است.

به سرعت رشد میکند و دارای توانایی بالقوه زیادی است اما آزاد یا باز نیست.

* زن در بین سن ۱۸ تا ۲۱ سالگی مانند آفریقا یا استرالیا است.

نمیه مکشوف و نیمه وحشی است و بطور طبیعی زیبا و دارای مرائعی در منطقه دلتا های بار خیز خویش است.

* زن در بین ۲۱ تا ۳۰ سالگی مانند آمریکا و یا جاپان است.

بطور کامل کشف شده و بحرایی رشد کرده و آماده معامله با سایر کشور هادر مقابل پول است.

* زن در بین ۳۰ تا ۳۵ سالگی مانند هند و یا اسپانیا است.

بسیار داغ، آرام و مطمئن از زیبایی خویش است.

* زن در سن ۳۵ تا ۴۰ سالگی مانند فرانسه و یا آرژانتین است.

ممکن است بر اثر جنگ های متعدد نا حادی ویران شده باشد ولی هنوز محل گرم و دلپذیری برای رفتن بشمار میرود.

* زن در بین سنین ۴۰ تا ۵۰ سالگی مانند یوگسلاوی و یا عراق است.

جنگ را باخته است و مرتباً به اشتباهات خویش می اندیشد و اکنون به باز سازی گسترده یی نیاز دارد.

* زن در بین سنین ۵۰ تا ۶۰ سالگی مانند روسیه و یا کانادا است.

بسیار پنهان و آرام و با سرحدات بدون نگهداری است اما آب و هوای سرد آن مردم را از آنجا دور نگاه میدارد.

* زن در بین سنین ۶۰ تا ۷۰ سالگی مانند انگلستان و یا مغولستان است.

گمشده پر شکوه و پرفروحات دارد اما افسوس که فاقد آینده است.

* زن از سن ۷۰ سالگی به بعد به صورت افغانستان و یا پاکستان است.

همه میدانند در کجا است اما هیچ کس نمیبخواهد به آنجا برود.

ضرب المثال ها

مرد بی زن همیشه پیرا هنش پاره است ولی مرد زنده اصلاً پیرا هنی ندارد.

« ایرانی »

از دواج دیر و زود هر دو اشتباه بزرگی است.

« فرانسوی »

هیچ کس را وادار به دو کار میکنی یکی تنگیدن و دیگری زن گرفتن.

« عربی »

عروسی که نمیتواند بر قصد میکوبد اتفاق کج است.

« لرانی »

بهار نکته در باره زن

قلبش پاک باشد

صورتش با حیا باشد

زبانش شیرین باشد

همیشه دست به کار و قادر باشد



ناپلیون میگوید:

زن زیبا که هر کز (تیپا) ولی زن خوب کنگ بزرگ (است)
زنان را از آن جهت دوست میدارم که مادرم از آن طبقه است.
تستیر یک کشور بزرگ، از تستیر قلب کوچک یک زن است.

شیلر میگوید:

زن بهترین هریه آسمانی است.

زن بدون عشق هیچ است و زنی بدون لذت.

شکسپیر میگوید:

زنها مانند گنج سرخی هستند، اگر پرموده شوند زود پیر میگردند.
ای زن، تو آنی که میتوانم بار و نذر هستی خود را بپایت بنار کنم.

شاکسپیر میگوید:

زن برای همکاری با تک ما آفریده شده با عقول ما.

تارهای قلب زنها به مراتب بیشتر از مرد هاست.

گفته های از بزرگان

درویش زن

x - دوستی دو زن نشان دشمنی با زن دیگر است.

x - آرزوی زن آنست که در قصص زندانی باشد ولی میله هایش از طلا باشد.

x - زن فرشته است که در پی کس پرستار مادر بیانی کلام بخش ما و در پیری

تسلیمت ده ما.

x - زن تا زن است، شیطان دوستش دارد چون مادر میشود قبل دوستش دارد.

x - مردان باریه زنان اندوزان باریه شیطان.

x - هر چه مردان بیشتر متاهل شوند، بنایات کمتر اتفاق خواهد افتاد.

x - زن دنیا به مرد الهام میدهد، و زن زیبا مرد را مقنون خویش میسازد.

x - تا به ترین موهومات در برابر زن، مرد است.

x - شما میتوانی مرد را به یک طریق بشناسید و آن گوش کردن به ستان

اوست، اما برای شناختن زن هیچ وسیله یی وجود ندارد.



کشف شواهد آب در مریخ

فضاپیمای ادیسو پس از ۱۰ روز گردآوری اطلاعات، به وجود مقادیر قابل توجهی هیدروجن منجمد در مجاورت قطب جنوبی مریخ پی برده است. دانشمندان میگویند که وجود هیدروجن به احتمال قوی نشانه وجود مقادیر عظیمی یخ در مریخ میباشد که البته تا حال حجم این یخ ها هنوز قابل اندازه گیری نیست. و در نتیجه در آینده نزدیک با تأیید این مسأله (وجود یخ در مریخ) معلوم خواهد شد که حداقل مقادیر آب در جنوب عرض جغرافیایی ۶۰ درجه مریخ وجود خواهد داشت. دانشمندان از سال های دور، نسبت به احتمال وجود آب در سطوح فوقانی مریخ مطمئن بوده اند.

برخی شواهد حاکی از آنست که آب در گذشته های دور، به مقدار زیاد در سطح این سیاره جاری شده است و همچنین اتفاق آن در گذشته های بسیار نزدیک هم حدس زده میشود. این شواهد که توسط اشعه گاما که روی ادیسو نصب شده است، تصاویر روشن و شفافی را از علایم مقدار قابل توجهی هیدروجن منجمد در مریخ نشان میدهد.



آیا امکان آن وجود دارد تا انسان به گذشته ویا آینده سفر کند؟

آلبرت انیشتین دانشمند معروف نظریه ای را جمع بسته زمان ویا وقت داشت و آن این بود که بدسترسی به بعد چهارم یعنی زمان انسان میتواند به گذشته ویا آینده سفر کند. ولی سوال در اینجا است که این نظریه چه است و چگونه میتوان به گذشته ویا آینده در زمان سفر کرد و آیا این امکان پذیر است؟ و این چه اندازه ای است که بشر باید به آن دسترسی پیدا کند؟

پس از سالها سرانجام بعد از آزمایش های مختلف از جمله فرستادن یک ساعت اتمی به فضا توسط راکت، دانشمندان به این واقعت مایوس گشته و در ضمن مهم دست یافتند که برای سفر در طول زمان ویا رسیدن به بعد چهارم یعنی آینده، بشر باید بتواند به سرعت نور حرکت کند. در چنین وضعیتی امکان سفر به گذشته وجود دارد و اگر سفر به گذشته امکان پذیر شود، به آینده نیز بنابر تئوری قابل قبول است. این سرعت برابر ۳۰۰ میلیون متر در هر ثانیه تخمین شده است.

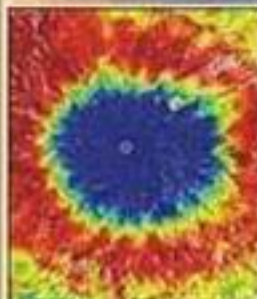
فعلا در چنین سرعت بشر از شرایط جسم خارج شده و به صورت نیرو ویا ماده در میگردد. اما اگر بشر بتواند با کمک و سائلی که سخت به دنبال آن است، در سرعت نور هم قابلیت جسمی خود را حفظ کند، آنگاه به جهت سرعت زیاد امکان سفر در زمان هم ایجاد میشود. تئوری میگوید این کار قابل انجام است. اما نه به این ساده گی ها.



رادیو با انرژی آفتاب



تولید کنندگان سالها به دنبال آن بودند تا روزی چنین رادیو را اختراع کنند. این رادیو با وزن بسیار سبک که یک دسته کوچک در پشت آن وجود دارد که با حرکت دادن آن رادیو بواسطه نور آفتاب چارج میگردد و در برابر ۳۰ ثانیه چارج آفتابی، رادیو را میتوان ۳۵ دقیقه مورد استفاده قرار داد. و این رادیو احتیاج به باتری آفتابی ندارد و مستقیماً نور آفتاب سبب به کار افتادن آن میشود. این رادیو به قیمت معادل ۱۰۰ دلار در دسترس عموم قرار گرفته است.



کارشناسان مقدار وجود هیدروجن رادر خاک مریخ به استفاده از دو تکنیک مختلف اندازه گیری کرده اند.

یکی تکنیک به نام اسپکترال، خاصیت هیدروجن است که میتواند حرکت نوترون ها را آهسته آهسته کند و دیگر به واسطه استفاده از این نکته که هیدروجن میتواند نوترون را جذب کرده و سپس اشعه گاما ساطع کند.



کوتاه از جهان علم

تأمین برق از کره مهتاب



در حالیکه پیش بینی می‌شود که مصرف برق در سیاره زمین طی چند دهه آینده رو به فزونی خواهد کرد، یک دانشمند آمریکایی بنام دیوید کریسول در ماه دسامبر سال ۲۰۰۱ پیشنهاد کرد که با نصب نیروگاه‌های در کره ماه میتوان کمبود مسله برق را در کره زمین حل کرد.

این پروفیسور گفت که میتوان با ساختن نیروگاه‌های در سطح ماه، نور آفتاب را گرفت و به وسیله ستون‌های از مایکروویو متر اکم به زمین تاباند و به این ترتیب برق ارزان، فراوان و ثابتی برای جمعیت زمین فراهم کرد.

این دانشمند با فشماری میکند که اگر دولت آمریکا پول لازم را که به ۵۰ میلیارد دلار تخمین شده در اختیار این پروژه قرار دهد این رویا را میتوان جامه عمل پوشاند.

با توجه بر این که فعلا ۸۵ فیصد از انرژی مورد مصرف بشر از نفت و گاز میباشد که دانشمندان گرم شدن تدریجی جو زمین را مسئول آن میدانند.

بر اساس طرح کریسول، باید در تأسیساتی که در کره ماه برپا میشود، تعدادی صفحه آفتابی نصب کرد تا اشعه آفتاب را جمع آوری کرد و سپس این انرژی به یک ستون مایکروویو تبدیل میشود و به زمین ارسال میگردد و در اینجا با آنتن‌های مخصوص این ستون مایکروویو گرفته شده و به راحتی به برق تبدیل میشود.

این ستون مایکروویو، که از باران و برف نیز عبور میکند، با اندازه ۲۰ فیصد از تابش نور آفتاب در هنگام نیمروز تراکم دارد و از هر نظر بیخطر است و فقط ممکن است پرازیت اندکی در امواج رادیوهای محلی بوجود آورد.

کریسول میگوید که قسمت زیاد نیروگاه‌های مورد نظر در سطح ماه را به راحتی میتوان از موادی که در آن کره وجود دارد ساخت. و با ۹ میلیارد دلار میتوان یک نمونه از این نیروگاه را در ماه احداث کرد و اگر نتیجه داد پس ۵۰ میلیارد دلار اضافی میتوان تمام این سیستم را در آن کره پیاده نمود.



روبات (آدم ماشینی) که طفل ۱۱ ساله را عملیات کرد



برای اولین بار روبات (آدم ماشینی) در یک کلینیک فرانفورک آلمان کودکی را تحت عمل جراحی قرار داد. طبق گزارش مسئولان کلینیک، این روبات که Davinci نام دارد با موفقیت توانست تغییراتی در ماهیچه‌های شکم یک کودک مریض ۱۱ ساله ایجاد کند.

این کودک بیمار از مسوژش شدید معده که باعث استغراغ دائمی وی میشد، رنج میبرد و علاوه بر آن به عوارض سوء تغذیه نیز مبتلا بود. روبات یا آدم آهنی توانست این همه بیماری‌ها در بدن کودک عملیات کرده و معالجه کند.

آدم آهنی که میتواند بدود

شرکت جاپانی هوندا روبات کوچکی را در مدت یک سال به نام P3 ساخته است که نه تنها توانایی دویدن را دارد بلکه از پله‌ها میتواند به سرعت بالا برود، بطوریکه بچه‌ها نمیتوانند آنرا همراهی کنند. این روبات میتواند بهر خند، خم شود و به اندازه ۱۸۰ سانتیمتر قدش بلند میشود و طبق دستور به روی چرخ‌های پاهایش می‌چرخد، بدون آنکه کج شود.

P3 به صورت خودکار برنامه‌هایش را طراحی میکند و همچنان فعالیت‌های مختلف را انجام میدهد. توانایی دیگر آن حمل و انتقال بار از یکجا به جای دیگر میباشد. این روبات در آینده و پس از تکمیل شدن، قسار خواهد بود که کالا‌های سنگین را نیز جابجا و انتقال دهد.

کوتاه از بهان علم

A ویتامین در زنان حامله دار



زنان حامله دار باید در طول حاملگی یعنی ۳۶ روز بدون مشوره داکتر از مصرف تابلیت ویتامین A (اضافی) خودداری کنند. مصرف اضافی این ویتامین توسط زنان حامله دار برای جنین آنها زیان آور بوده و تاثیر نامطلوب دارد و نوزاد ممکن پس از تولد دارای نواقص جسمانی و حتی مغزی شود و در طول عمر زودتر از دیگران مریض شود.

رابطه سکنه قلبی با کمبود محبت



خوردن سالانیکه والیدین شان در دوران کودکی با آنها کمتر صحبت میکنند، در بزرگ سالی بیشتر در معرض خطر سکنه قلبی قرار میگیرند. این نتیجه را یک محقق فنلاندی پس از تحقیقات طولانی روی ۴۰۰۰ نفر که به سکنه قلبی دچار شده بودند، بدست آورد. گاهی وقت پدران نیز به بچه هایشان کمتر توجه میکنند. خورد البته بچه های خورد سال در دوران کودکی نسبت به این گونه بی توجهی ها از جانب پدر و مادر نسبت به دختر های خورد سال عکس العمل زیادی از خود نشان میدهند.

چای سبز از بروز سرطان حلق جلوگیری میکند



بر اساس نتایج تحقیقاتی در خواص چای سبز به این نتیجه دست یافته اند که چای سبز عناصری دارد که بدون آسیب رساندن به حجرات مسالم دهان، حجرات سرطانی این قسمت از بدن را نابود می کند. در این تحقیق، نوشیدن روزانه ۴ الی ۶ گیلان چای سبز توصیه شده است.

خوراک کمتر، عمر طولانی تر

کسانی که کمتر میخورند عمر طولانی خواهند داشت.

یک بررسی طولانی این نتیجه را بدست داده است که اگر فردی از میزان کالری وارده به بدن خود را تا ۳۰ فیصد بکاهد، ۲۵ فیصد کمتر از دیگران مریض خواهد شد و ۱۵ فیصد عمر بیشتر خواهد کرد که این آزمایش قبلا هم روی میمون ها انجام شده بود و چنین نتیجه یی را نشان داد.

کالری کمتر، حرارت بدن و متابولیسم آنرا پایین نگه داشته و بیوکمیکال که نقش پیر کردن را داشته هم فعالیت کمتری خواهد داشت. استفاده از غذا های کم کالری و پر حجم مانند سبزیجات که سبک بوده و وزن اضافی را در بدن ایجاد نمیکند عامل طولانی عمر در بدن میشود و علاوه بر آن هر فردی پس از سیر شدن جلوی اشتیای خود گرفته تا عمر بیشتری داشته باشد.



نخسه دیگری برای

عمر طولانی تر

کتاب صبحی بنام عمر طولانی تر که به قلم چند داکتر کارشناس امراض دوران پیری نوشته شده است، نسخه ذیل را برای کسانی که از مرز ۵۵ سالگی میگذرند و میخواهند عمر طولانی داشته باشند، تجویز کرده اند:

Selenium سلینیوم صد میلی گرام (دو بار در روز)، zinc زنک ۳۰ میلی گرام روزانه، beta carotene بتا کاروتین به تجویز داکتر ۱۰ میلی گرام روزانه، کپسول سیر و یا یک عدد سیر در روز، مولتی ویتامین بدون آهن (روزانه)، coenzyme-q ۱۰ میلی گرام سه بار در روز، ۴۰۰ میلی گرام folic acid روزانه، ویتامین E ۴۰۰-۱۵۰ میلی گرام روزانه، ویتامین C حداقل ۵۰۰ میلی گرام روزانه.

علاوه بر این باید با داکتر خانگی در رابطه مشورت شود.

افراد بالای سن ۵۵ سال باید از استرس، کم خوابی، بد غذایی، بی تحرکی و انزوای پرهیزند.

دوای تازه برای مریضان مبتلا به شکر خون

چندی قبل دوای تازه مرض شکر بنام گلو کووانس وارد بازار شد که از ترکیب دو دوای (بیت خونین و گلو کوناز) ساخته شده است. سازندگانش ادعا کرده اند که بهتر از سایر دارو های موجود، شکر خون را پایین می آورد. نزدیک به ۱۰ فیصد از مردم جهان به این مریضی دچار اند ولی متأسفانه ۴۰ فیصد از آنها نمیدانند که به این بیماری مزمن و درمان ناپذیر مبتلا اند.

از هر گوشه و کنار

سنگ عظیم آسمانی با فاصله

کمی از زمین گذشت

سنگ آسمانی به قطر ۳۰۰ متر که در اوایل دسامبر سال ۲۰۰۱ در کالیفرنیا شناخته شد در ۷ جنوری سال ۲۰۰۲ از فاصله ۸۳۰۰ هزار کیلومتری زمین گذر کرد. این فاصله کمتر از دوبرابر فاصله ماه تا زمین است.

ستاره شناسان این سیاره کوچک جدید را بنام ۲۰۰۱ وی بی ۵ لقب داده اند.

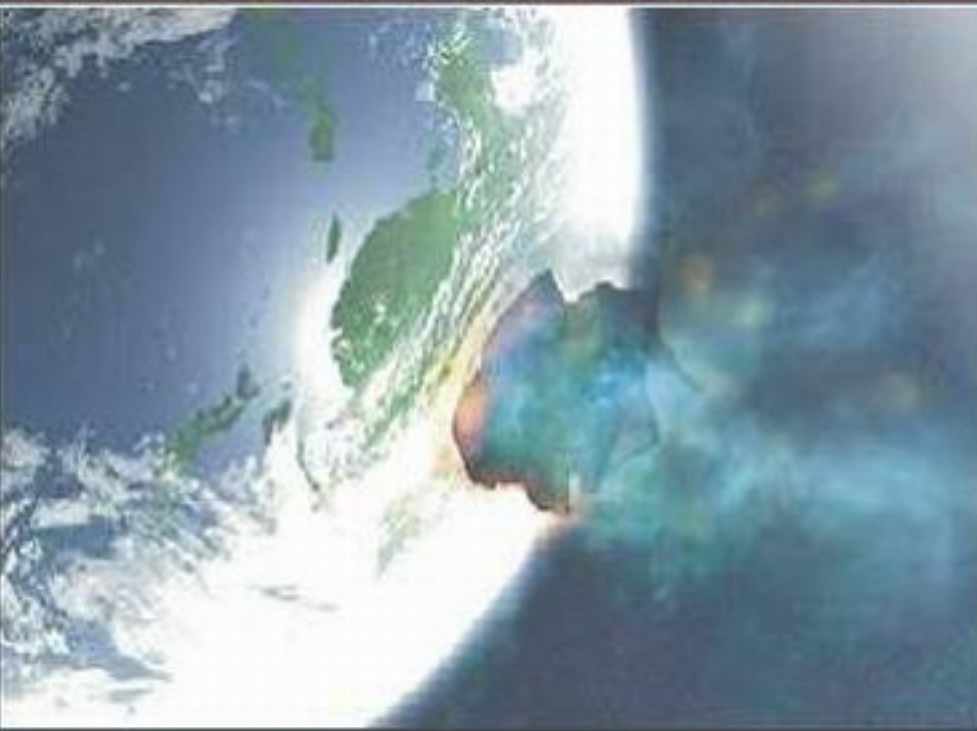
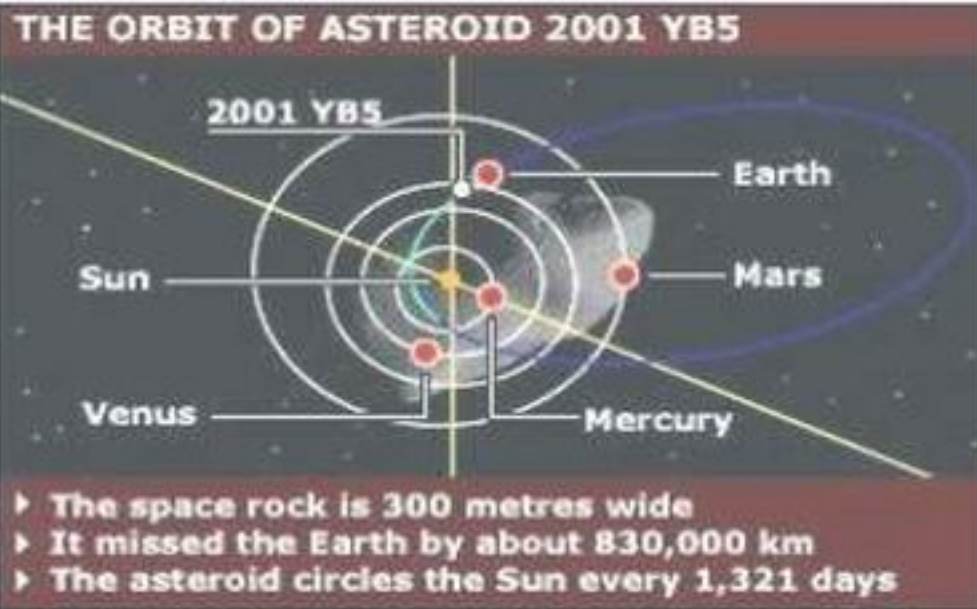
این سیاره کوچک دارای مداری به شدت بیضوی است که مدارهای مریخ، زمین، زهره و عطارد را قطع میکند. این سیارک هر ۱۳۲۱ روز یک بار آفتاب را دور میزند.

در صورت برخورد این سنگ آسمانی به زمین برای نابودی کشوری بزرگتر از انگلستان کافی است. برای نابودی کلیه اشکال حیات، باید شبی به فاصله ۳۰۰ کیلومتری زمین اصابت کند. اما شبی به قطر ۳۰۰ متری نیز ویرانی های زیادی را به بار خواهد آورد. مثلاً اگر نقطه برخورد این سیاره کوچک لندن باشد دانشمندان میگویند که نخبه‌نآ تا فاصله ۱۵۰ کیلومتری کاملاً ویران، تا فاصله ۸۰۰ کیلومتری تخریب شدید به بار خواهد آورد، به این معنی که نه تنها انگلستان بلکه فرانسه نیز آسیب خواهد دید.

اگر چنین شبی به اقیانوس برخورد کند، شدت ویرانی از این هم گسترده خواهد بود و باعث ایجاد موجی خواهد شد که اکثر شهرهای ساحلی را نابود میکند. البته این سیاره از فاصله ای از کنار زمین گذشت، اما ستاره شناسان میگویند که این حادثه باید ما را نسبت به احتمال برخورد سنگ های آسمانی به زمین و پیامدهای ویرانگر آن هشدار دهد. ستاره شناسان می افزایند که این سیاره «بالقوه خطرناک» است به این معنی که احتمال آن مبرور که در آینده به زمین برخورد کند، هر چند این احتمال ناچیز باشد.

همانطوریکه ۶۵ میلیون سال قبل در اثر اصابت سنگ آسمانی به قطر ۱۰ کیلومتر و به سرعت ۹۰ هزار کیلومتر در ساعت در جنوب آمریکای شمالی باعث از بین رفتن نسل داینوس اوروس ها و سه بر چهار حصه ای از گیاهای روی زمین و حیوانات مختلف شد، ستاره شناسان به این عقیده اند که زمین ممکن است در هر ۵۰۰۰ سال یک بار مورد حمله اصابت شبی ۳۰۰ متری مانند سیاره «۲۹۹۱ وی بی ۵» قرار گیرد، اما این تنها تخمینی حدسی است که برشواهد علمی استوار نیست.

در واقعیت در آسمان آشیایی هستند که هنوز شناخته نشده اند و هر وقت ممکن باز زمین برخورد کند، که در آن صورت هیچ کاری از دست ما ساخته نیست مگر آنکه آنها را بهتر شناخت و بیشتر از امروز آماده دفاع از سیاره مان شویم.



کشف یک سیستم منظومه جدید

آیا میتوان امیدوار بود که در این سیستم، حیات وجود داشته باشد؟



در نیمه های ماه اوت سال گذشته ستاره شناسان در اعماق فضا یک منظومه جدید را کشف کردند. البته کشف سیارات در گوشه و کنار فضا چیز تازه ای نیست. اما این منظومه با منظومه کره مان مشابه است.

منظومه تازه کشف شده از دو سیاره تشکیل شده که در اطراف ستاره ای که از لحاظ کیمیایی با آفتاب مشابه است، در حرکت اند.

دانشمندان میگویند مسیر دایره مانند این دو سیاره و اندازه آنها به این احتمال اشارت دارد که سیارات کوچکتری مشابه با زمین در مدارهای نزدیکتر به آن ستاره در سیستم مورد بحث وجود دارد.

از میان منظومه های کشف شده تا حال این منظومه بیش از همه با منظومه کره مان شباهت دارد.

این سیارات مشابه به سیاره مشتری و زوگ، گاز مانند اند. دانشمندان به این امید اند که در سیارات دیگر که در اطراف آن ستاره در گردش اند احتمال زندگی نیز ممکن خواهد بود.

آدم فروشان قرن ۲۱

کابوس مرگ



اما عادل و شعیمایا هم صمیمی شدند و زندگی خانواده به روال عادی افتاد. شعیمایا گاه اجازه میخواست سویتا را با خود به بازار ببرد و عادل چند بار به او اجازه رفتن داد. سپس یک روز شعیمایا و سویتا خانه را ترک کردند و باز نگشتند. آن شب، عزیز نیز به خانه نیامد. سویتا راه گروگان گرفته بودند. عزیز و شعیمایا برای پانزده روز قربانی ده ساله خود را در یک اتاق کوچک بادهان و دست و پای بسته حبس کردند. بعد سویتا را با تریق دارو خواباند و به پاکستان قاچاق کردند. یک سال گذشت، سالی که در جریان گاه به گاه مردانی غریبه به ملاقات گروگان گیرها می آمدند. آنها به سویتا خیره میشدند و او گاه میشنید که می گویند دختر به مرور زمان زیباتر شده بهای بهتری بابت او پرداخت خواهد شد. سویتا یک روز شاهد بود که مرد چاقی به زوج گروگان گیر مبلغی پرداخت کرد و دختری را از آنها تحویل گرفت و با خود برد. آنها بار دیگر سویتا را با تریق دارو خوابانده و به جای دیگری منتقل کردند.

کودک وقتی از خواب بیدار شد به گریه افتاد.

نجات کودک

زنی که سویتا قبلاً او را ندیده بود و سر تا پا با جامه سفیدی به تن داشت وارد اتاق شد. آن زن از کودک خواست تا آرام شود و به او بگوید که چه اتفاقی افتاده است.

بازند قاچاقچیان کودک شکسته شده، سویتا و بقیه زندانیان آزاد شده بودند.

او به مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست در افغانستان باز گشته بود. اما تلاش ها برای یافتن خانواده اش بی نتیجه بود.

سویتا یک سال در جستجوی خانواده اش بود و وحشتی رادیو تقاضای او را بخش میکرد، اما نتیجه نداشت.

او همچنان در مرکز نگهداری کودکان یتیم باقی ماند پس از دو سال حاضر شد با پسر یکی از کارمندان آن جا ازدواج کند.

چند روز بعد از یکی از دوستان شوهرش برای دیدار به خانه آن ها رفت.

سویتا از پشت پرده به مهمان خیره شد و ناگهان خود را در آغوش او افکند.

شوهرش که مبهوت مانده بود بسیار خشمگین شد.

سویتا توضیح داد: این حمید است، برادرم.

اهالی محله «واصل آباد» کابل برای دو روز در اتاق های خود به دام افتاده بودند.

انفجار در کوچه و پس کوچه ها، مردم را در خانه هایشان حبس کرده بود. «سویتا» کودک ده ساله، مادرش عادل، پدرش خلیل، برادر مسیزده ساله اش حمید، خواهر کوچکتر شش ساله اش ترانه و برادر یک ساله اش که در یک اتاق زیرزمینی زندگی میکرد، از جمله محاصره شدگان بودند.

زمستان پرده هوای سرد داخل اتاق گزیده بود. اعضای خانواده چند روزی هیچ نخوردند و به سوختن و دود و بچه کوچکتر خانواده از گر مسکنی و ترس گریه میکردند.

برای پدر سویتا قطعی شد که باید برای جستجوی غذا بیرون برود.

خلیل به زنش گفت آرام باش و بچه های وحشته را که یک دیگر را در آغوش گرفته و برای او دعا میکردند، تسلی دهند.

وقتی آتش زد و خورد و راکت خاموش شد، او اتاق زیرزمینی را ترک کرد. رگبار مسلسل

سویتا و خواهر و برادرهایش که در تاریکی به سر می بردند، دعا میکردند تا سکوت بیرون ادامه یابد.

اما سکوت مدتی بعد با صدای رگبار مسلسل در هم شکسته شد.

به دنبال آن صدای گام هایی در راهرو شنیده شد. بچه ها فکر کردند این پدرشان است که برمیگردد.

اما وقتی از پله ها بالا رفتند با دو مرد از اهالی محله روبرو شدند. آنها خلیل را که غرق خون بود با خود حمل میکردند. او مرده بود.

همینطور که عادل و بچه های دیگر بستند، یکی از دو مرد یک خریطه سیب را به آنها داد.

مرد گفت: «پدرتان این خلطه را همراه خود داشت.»

خانه جدید

با غروب آفتاب، همسایه ها در گوشه بی از صحن حیولی گوری حفر کردند. روز بعد صبح وقت مادر سویتا خانواده اش را در جستجوی پناهگاه بی از واصل آباد بیرون برد.

چند روز بعد آنها در منزل عزیز و شعیمایا، زن و شوهری که فرزندی نداشتند، بطور موقت جاگزین شدند.

خانواده سویتا دارای زیادی نداشت، و دارای مهماندار آنها هم از یک تکه فرش کهنه، یک تخت و چند ظرف فراتر نمی رفت.

رودابه، مادری اسطوره ای برای قهرمانی افسانوی

(زن در شاهنامه فردوسی)



رودابه دختر سمیندخت و مهرباب کابلی است که از نوادگان ضحاک است. پس از مرگ پسر کابلستان، حکمرانی دارد که البته کشور او با کشور ایران دشمن است. زال که فرمانروای زابلستان است برای گردان و سیاحت از سرزمین خود پای پیرون می نهد و کنار هیزمند سرایزده میزند که سر کابل یعنی کشور رودابه است.

بین داستان های شاهنامه از همه کامل تر داستان دلدادگی رودابه و زال است. این داستان از حیث زیبایی و گیرایی نه تنها در شاهنامه بلکه در سراسر ادبیات فارسی کم نظیر است.

رودابه دختر سمیندخت و مهرباب کابلی است که از نوادگان ضحاک است و بر سرزمین کابلستان حکمرانی دارد. که البته کشور او با کشور ایران دشمن است. زال که فرمانروای زابلستان است برای گردش و سیاحت از سرزمین خود پای پیرون می نهد و کنار هیزمند سرایزده میزند که مرز کابل یعنی کشور رودابه است.

زال و رودابه بی آنکه یکدیگر را دیده باشند تنها از طریق شنیده ها عاشق یکدیگر میگردند. شبی که این دو به حسدی است که علیرغم موانع سیاسی و دشمنی در بین دو کشور منوچهر شاه به پیوند این دو رسیده و مهرباب نیز که با سرگرفتن این وصلت خطر هجوم ایران را به کشور خود مرتفع می بیند، شادمان است. بدینگونه زال و رودابه از آن همدیگر میشوند و از این پیوند دهمین پسر خود می آید.

پس پیوسته او یکی دختر است
که رویش ز خورشید روشنتر است
ز سر تا به پای پایش به کردار عاج
به رخ چون بهشت و به بالا جوساج
دو چشمش به سان دو زر گسی به باغ
مژه نسیم برگی برده از پیوسته زانغ
اگر ماه جویی همه روی او سست
و گیسو مشک بویی همه موی اوست
چو بشنید زال این سخن ها از اوی
بچشم سپید مهرش بر آن ماه روی
دل زال یک باره دیوانه گشت
خرد دور شد عشق فرزانه گشت

رودابه زال را پنهانی به قصر خود دعوت میکند. آنگاه با لطف و دلبری بی نظیر گیسوان خویش را از بام فرو می افشاند تا او کمند و لا دست به آن زند و به فراز کاخ برود. در خلوت خود با زال حرکتی نمی کند که معایر عفاف و بانو منشی باشد. آنها در خلوت پاک و دلپذیر پیمانی می بندند مانند گاو.

رودابه زنی است مهرش از اقسامات و عواطف لطیف زنانه (نی آگاه به قدرت و منزلت مقام زن در طبقه برتر اجتماعی توپیش، چنین زنی پرشور در عشق، مستقل در انتخاب و پایدار در راه دشوار زندگی و وفادار به همسر و پاک و در دستگاری و برتوان

بر آمد سیه چشم گارخ به پامچوسر و سیه بر سرش ماه نام
دو بیجاده بگشاد و آواز داد
که شاد آمدی ای جوان مرد شاد

سمیندخت مادر رودابه جوپای حال دخترش میشود و زال او میخواهد تا او را دل به مادر باز گوید. رودابه پرده از راز بر میدارد و می گوید:

نخ اهرم بدن زنده بی روی او
جهانم نیرزد به یک موی او
بدان کو مراد بد و بدین نشست
جز از بدنی چیز دیگر نرفت
به پیمان گرفتم دو دستش به دست
میان من او خود آتش به نفت

رودابه چنان از مهر و عشق بی ریا و پاک خود سخن میگوید که سیرانجام سمیندخت سخنان وی را می پذیرد.

زال که نیز در اندیشه پیوند با رودابه است و در دلش شوری برپا شده، با راهنمایی موبدان نامه بی به پدرش سام می نویسد و از عشق خود با رودابه سخن میگوید. سام پدر زال بیضا که از آینده و خشم منوچهر شاه با موبدان به مشورت می نشیند. ستاره شمار در آسمان به ستاره بخت زال می نگرد و مزده میدهد که از پیوند زال با رودابه پیل ژبانی پایه عرصه وجود میگذارد که بی بدسگالان می کند و نام این کودک را به رنگین و مهر خواهند نوشت و بهلوانی بی نظیر خواهد شد. سام تشویش و نگرانی را از دل دور میکند و به فرستاده فرزند میگوید که به زال بگو نزد منوچهر شاه خواهم رفت تا نظر موافقت وی را بدست آورم.

چون سام به دربار شاه میرسد و سخن آغاز میکند، شاه می خروشد که مهرباب از غیبه و نوادگان ضحاک است پس حمله به کابل را فرمان میدهد. خبر فرمان منوچهر به کابل میرسد و لوله ای برپا میشود شهر پر جوش و خروش مردم هراس زده و سمیندخت و مهرباب نگران به آینده زال خشمگین فریاد بر می آورند که اگر پدر به کابل لشکر کشد باید نخست سر من را از تن جدا کند.

سام به فکر چاره است آن گاه نامه ای به شاه می نویسد و با زال نزد منوچهر می فرستد. منوچهر شاه نامه را دریافت میکند و از ستاره شمار میخواهد تا آینده چنین کاری را به وی بسازد. ستاره شمار مزده میدهد که پیوند نیک خواهد بود. منوچهر شادمان پاسخی موافق به سام می نویسد و به او می فرستد.

گفته هایت از بزرگان

(سعدی) ادب را از که آموختی؟ از بی ادبان.
(مولوی) کی شود دریا به یوز سگ نجس.
(سعدی) این همه دوستان که میبینی، مگس اند گرد شربتی.
(حافظ) در کار خیر، حاجت هیچ استخاره نیست.
(سعدی) چه میبینی که نابینا و چاه است. اگر خاموش بنشینی گناه است.
(نظامی) در نومیدی بسی امید است. پایان شب سیه سپید است.
(سعدی) آن را که حساب پاک است از محاسبه چه پاک است.

یک دوست ساده و یک دوست واقعی

این دو چه فرقی باهم دارند؟

یک دوست ساده هرگز گریه ترا ندیده است.
اما یک دوست واقعی شانه هایت از اشکهای تو خیس است.
× × ×
یک دوست ساده نام پدر و مادر ترا نمی داند.
اما یک دوست راستین شماره های تلفون آنها را در دفترچه اش یادداشت کرده است.

× × ×
یک دوست ساده خوش دارد در باره مشکلات بانو حرف بزند.
اما یک دوست راستین میگوید که برای حل مشکلات یاری دهد.
× × ×

یک دوست ساده از اینکه در ساعات ناوقت شب به او تلفون کنی ناراحت میشود.
اما یک دوست راستین میگوید چه کار خوبی کردی که زنگ زدی.

× × ×
یک دوست ساده به خانه ات میآید همچو مهمان رفتار میکند.
اما دوست راستین کسی است که وقتی به خانه ات میآید، خودش در یخچال را باز میکند و از خود پذیرایی میکند.
× × ×

یک دوست ساده فکر میکند وقتی با همدیگر جر و بحثی دارید، دوستی تان به پایان رسیده.

اما دوست راستین میدانند دوستی زمانی پدید میآید که ابتدا دعواهایتان را کرده باشید.

× × ×
یک دوست ساده انتظار دارد که هر وقت به تو نیاز دارد، آماده باشی.
اما یک دوست راستین کسی است که هر وقت تو نیاز به کمک داری در کنارش باشد.

سرانجام جشن بزرگی برپا میشود و پیوند رودابه دختر شایسته سمیندخت و مهرباب شاه کابل با زال شاه زابلستان برقرار میشود و دوران شرف زندگی آن دو آغاز میگردد.

چندی میگذرد و رودابه بسیار دل می گردد به ساری گران و سخت که طاقت فرست است چنان او را رنجور و زرد قام می کند. چون هنگام فراغتش فرامی رسد فریاد میکند و از هوش میرود. زال که رودابه را چنان بدحال و بیهوش میبیند به یاد سیمرغ می افتد که او را پرورش داده است. و نیز پر خود را به او داده بود تا هنگام نیاز به آتش زند. زال پر سیمرغ را آتش میزند و آنگاه دگرگونی شگفت انگیزی پدید می آید. هوا تیره گون میشود. سیمرغ پدیدار می گردد و به زال میگوید نگران مباش گریز سرو سمن ماه روی، شیرینی بدنیا خواهد آمد دلیر و نامجوی یار منمایی سیمرغ رودابه را بیهوش می کند و با خنجر پهلوی او را می شکافت و کودک را بیرون می آورد و با گیاه شفابخش و پر سیمرغ زخم را بهبودی می دهد.

فروریخت از دیده سمیندخت خون
که کودک ز پهلوی کی آید بیرون
ببیند یکی میسوزد چیره دست
مر آن ماه رخ را به منی کرد مست
بشاید سیمرغ چرخ را سر ز راه
چنان بسی گزینش برون آورد
که کسی در جهان این شگفتی ندید
به یک روزه گفتی که یکساله بود
یکسبی نوده بسوسن و لاله بسود
بگفتی بر منم غم آید به سر
نهند اندر منم منی نیم نام پسر

بدینسان رودابه و زال اسطوره پهلوانی ها و مردی ها که نامش رسنم بود پایه عرصه گیتی گذاشتند.

رودابه زنی است سرشار از احساسات و عواطف لطیف زنانه آگاه به قدرت و منزلت مقام زن در طبقه سرترا اجتماعی خویش، چنین زنی پرشور در عشق، مستقل در انتخاب و پایدار در راه دشوار زندگی و وفادار به همسر و پاک و در ستکار و پرتوان است که با نقش اصلی خود در صحنه مورد تحسین همگان قرار میگیرد و داستان پرشور زندگی اش در دلها می ماند و پس از هزار سال که از سرودن عشق و زندگی اش می گذرد باز هم نامش بر زبان هاست.



اگر دوباره به دنیا می‌آمدم چه می‌کردم؟

این نوشته کوتاه توسط ایرما یام بک، یک نویسنده زن آمریکایی است و کمی قبل از مرگش نوشته شده

- ۱- دوستانم را بیشتر بخواب دعوت می‌کردم، حتی اگر فرش اتاقم کهنه و با کیفیت هم میبود.
- ۲- کمتر حرف می‌زدم و بیشتر گوش میدادم.
- ۳- باید بزرگم وقت بیشتری صرف می‌کردم و به خاطرات جوانی من گوش میدادم.
- ۴- بیشتر با بچه‌هایم وقت صرف می‌کردم و با آنها روی علفها به بازی می‌پرداختم بدون اینکه متوجه کیفیت شدن لباس آنها باشم.
- ۵- بیشتر با شوهرم در مورد انجام وظایف کمک می‌کردم.
- ۶- هر وقت بچه‌هایم از من سوالی می‌کردند هرگز به آنها نمی‌گفتم: فعلاً وقت ندارم، بروید دستهایتان را بشوئید وقت نان است.
- ۷- از جمله‌های «دوست دارم» و «متأسفم» بیشتر استفاده می‌کردم.
- ۸- وقتی مریض میشدم در تختخواب می‌ماندم و بیشتر استراحت می‌کردم، نه اینکه فکر کنم اگر من در تختخواب بمانم دنیا از گردش می‌ماند.
- ۹- ویش از همه: از هر لحظه زندگی بیشتر لذت می‌بردم و زیبایی‌ها را بیشتر میدیدم.

درباره موفقیت

- ♦ تنبلی بقدری آهسته حرکت میکند که فکر به سرعت از آن سبقت می‌گیرد.
- ♦ رویاها خود بخود جامه عمل نمی‌پوشند مگر آنکه به آنها جامه عمل ببوشید.
- ♦ راز موفقیت در آن است که کارهای عادی را بگونه‌ای غیر عادی خوب انجام دهید.
- ♦ انجام هیچ کاری بطور اخص مشکل نیست اگر شما آنرا به کارهای کوچکتر تقسیم کنید.
- ♦ بهترین راه برای تحقق دادن به رویاها آن است که از خواب بیدار شوید.
- ♦ اگر همه ما آن چیزهای را که قادر به انجامشان هستیم انجام میدادیم براساسی مایه شگفتی خود میشدیم.
- ♦ شما باید دقیقاً به همان کاری دست بزنید که گمان میکنید قادر به انجامش نیستید.
- ♦ از یک نقطه به بعد دیگر انسان نمیتواند به عقب باز گردد. این همان نقطه‌ای است که باید به آن رسید.
- ♦ موفقیت را به آسانی میتوان اندازه گیری کرد و آن عبارت است از فاصله میان نقطه اولیه انسان و دستاوردهای نهایی او.

چرا باید سپاسگزار باشیم

- ♦ اگر امروز صبح وقت هنگامیکه از خواب برخاستید دیدید که میزان سلامتی‌تان بیشتر از یسارای تان است... خوشبخت‌تر از میلیون‌ها نفر دیگری هستید که در همین هفته جان میسپارند.
- ♦ اگر هرگز خطر جنگ، نهایی زندان، رنج شکنجه یا درد گرسنگی را تجربه نکرده‌اید، جلوتر از ۵۰۰ میلیون نفر از مردم جهان هستید.
- ♦ اگر میتوانید بدون نگرانی از آلودگی، شکنجه، مرگ و یا به مسجد بروید، وضعیتان بهتر از سه میلیارد تن دیگر از جمعیت جهان است.
- ♦ اگر در یخچال‌تان خوراکی و بر بدنتان پوشاک دارید، و اگر دلاوی سر پناه و جایی برای خوابیدن دارید، ثروتمان‌تر از ۷۵ فیصد مردم جهان است.
- ♦ اگر در بانک و یا در جیب‌تان پول دارید، جزو ۸ فیصد از مردم غنی دنیا بشمار میرود.



داستانی که در زیر میخوانید از متنی است که مولانا
جلال‌الدین بلخی شمس‌اعظمی بزرگ قرن هفتم
هجری قمری به زبان ساده به صورت نثر نوشته

حکایت

فرار از مرگ

روزی از روزها، مرد ساده دل بزرنگ و روئی زرد و لبان کبود شتابزده به نزد حضرت سلیمان رفت.

سلیمان از او پرسید: ترا چه میشود؟

جواب داد: از جایی میگذشتم که یکباره عزرائیل را دیدم که با خشم و کینه با من نگاه میکرد.

حضرت سلیمان گفت: به من بگو چه کاری برایت انجام دهم؟

جواب داد: به یاد فرمان پدیده مرا با خودم به هندوستان ببر تا شاید از دست عزرائیل جان سالم بدر برم.

سلیمان در خواست او را پذیرفت و به یاد دستور داد که او را هر چه زودتر دور کند و به آن سرزمین ببرد. و یاد هم چنان کرد.

فردای آن روز، حضرت سلیمان به عزرائیل گفت: آخر به آن مرد مسلمان چه کار داشتی که با خشم نگاهش کردی و باعث شدی که او از ترس جان، آواره و سرگردان شود؟

کان مسمان را به خشم از چه سبب

بنگریدی، باز گویای پیک رب

ای عجب این کرده باشی بهر آن

ناشود آواره او از خانه مسمان

مردم ایران معتقد به این هستند که سید جمال‌الدین افغان در اصل از ایران بود. ولی برای اولین بار در یک اثر معتبر فرهنگی از نشرات ایران بنام زبان و ادب فارسی در افغانستان آمده است که سید جمال‌الدین اصلاً افغان و میراث فرهنگی افغانها میباشد.

عزرائیل در پاسخ گفت:

گفت من از خشم کی کردم نظر؟

از تعجب دیدمش در رهگذر

عزرائیل سپس توضیح داد: تعجب من از آن بود که خداوند بر من فرمود جان او را در هندوستان بگیرم و من شگفت زده شدم که در این محل چه میکرد. او افزود: به همین سبب طبق دستوری که داشتم، شتابزده به هندوستان پر کشیدم و او را در آنجا یافتم و جانش را گرفتم.

چون به امر حق به هندوستان شدم

دیدمش آنجا و جانش پسندادم

مولانا در آخرین بیت از داستان خود نتیجه گیری میکند که محال است انسان بتواند از خویش و از سرنوشتی که برایش رقم زده شده بگریزد.

راز زندگی در کجاست؟

در افسانه ها آمده است روزی که خداوند جهان را آفرید، فرشتگان را فراخواند و از آنها خواست تا به او کمک کنند که تصمیم بگیرد راز زندگی را در کجا قرار دهد.

یکی از فرشتگان به پروردگار گفت: «راز زندگی را در دل خاک مدفون کن.»

فرشته دیگری گفت: «راز زندگی را در عمق دریا بگذار.»

و سومی گفت: «راز زندگی را در کوهها قرار بده.»

خداوند بعد از آنکه پیشنهاد های فرشتگان را شنید به آنان گفت: «نه، اگر من بخواهم همه پیشنهاد های شما عمل کنم، فقط عده اندکی از پستگان من قادر به یافتن آن خواهند بود در حالیکه من دلم میخواهد راز زندگی در دسترس همه مخلوقات من باشد.»

در این هنگام بود که یکی از فرشتگان گفت: «حالا فهمیدم که راز زندگی در کجا باید پنهان بشود. ای خدای مهربان بیا و آنرا در قلب یکایک انسانها بگذار زیرا هیچکس به این فکر نمی افتد که برای پیدا کردن آن به درون قلب خود نگاه کند و خداوند این فکر را پسندید.

به این ترتیب بود که خداوند راز زندگی را در قلبهای یکایک ما به ودیعه گذارد و بدینله این راز در درون ما است.

روزنامه دای مجلیت وین

یازده نکته ششانی در باره شش ۱۱ در تاریخ نیویارک و واشنگتن



- ۱- تاریخ وقوع حمله تروریستی ۹/۱۱ (یازدهم سپتامبر) بود که اگر لرقام ۹+۱+۱ را جمع کنیم به عدد ۱۱ میرسیم.
- ۲- یازدهم سپتامبر روز ۲۵۴ ام سال است که اگر ۲+۵+۴ را جمع بزنیم به عدد یازده میرسیم.
- ۳- بعد از یازدهم سپتامبر درست ۱۱۱ روز دیگر تا پایان سال وقت باقی مانده بود.
- ۴- بلند منزل های دو گانه مرکز تجاری جهانی که در کنار هم سر بر آسمان میسایند، از دور مانند ۱۱ بنظر میرسیدند.
- ۵- اولین هوایمانی که به این بلند منزل ها اصابت کرد، پرواز شماره ۱۱ بود.
- ۶- ایالات نیویارک، یازدهمین ایالاتی بود که به اتحادیه Union پیوست و جزو ایالات متحده شد.
- ۷- سه کلمه New York City از ۱۱ حرف، دو کلمه The pentagon که وزارت دفاع آمریکا است نیز از ۱۱ حرف تشکیل شده اند.
- ۸- کلمه Afghanistan دارای ۱۱ حرف است.
- ۹- نام Ramzi Yousef همان مردی که در رابطه با بمبگذاری در ساختمان مرکز تجاری جهانی در سال ۱۹۹۳ مجرم شناخته شد، دارای ۱۱ حرف میباشد.
- ۱۰- پرواز شماره ۱۱ دارای ۹۳ مسافر و سر نشین بود که با جمع ۲+۹ به عدد ۱۱ میرسیم.
- ۱۱- پرواز ۷۷ دارای ۶۵ مسافر و سر نشین بود که با ۶+۵ به عدد ۱۱ میرسیم.

سفنان بزرگان

- چون در انجام کاری مردد باشی، آن طرف را انتخاب کن که بی آزار تر باشد. سعدی
- تمام بدبختی ها و عذابهایی که خدای شما برایتان میفرستد از طرف خود شما فرستاده میشود. منزلیتک
- سلوک و رفتار آینه ای است که در آن آدمی تصویر خوبیش را نشان میدهد. گونه
- برای زندگی فکر کنید ولی خوصه نخورید. دیل کارنگی
- خنده بهترین اسلحه جنگ با زندگی است. آناتول فرانس
- اطمینان حاصل کنید آنچه که بخاطرش زندگی میکنید ارزش آنرا داشته باشد که بخاطرش نیز بمیرید. چارلس موزی
- باید صبح وقت با عزم و اراده از بستر برخیزید تا شامگاهان با رضایت به بستر بروید. جورج
- هرگز در این امر شک نکنید که یک گروه کوچک از افراد متفکر میتوانند دنیایی را دگرگون سازند. مارگرت مید
- فقط کسانی که این شهامت را دارند که شکوهمندان شکست بخورند، میتوانند شکوهمندان نیز به پیروزی برسند.

روبرت کندی



ویتامین های ضروری بدن

ویتامین D

در بدن یک کارخانه تخصصی برای ویتامین D در پوست وجود دارد که به سختی این کارخانه اشعه ماورای بنفش آفتاب است. اگر شما هر روز مدت زمانی در معرض آفتاب قرار بگیرید، مطمئن باشید که ۹۹/۵ درصد از احتیاجات به ویتامین D بدن تان برطرف خواهد شد. بدون میزان کافی ویتامین D بدن شما نمیتواند کلسیم کافی در غذاها را برای محصل کم کردن استخوانها تان جذب کند.

در صورت کمبود این ویتامین در بدن، ضعیف شدن استخوانها که به سستی سستادگی می شکنند و همچنین ضعف عضلات و خطر ابتلا به سرطان سینه میباشد که معمولاً خطر انواع سرطانها معمولاً در جاهایی که به ندرت نور آفتاب میتابد، زیاد است.

این ویتامین برای افراد مسن و آنهایی که به انواع مختلف ورزش مشغول اند، برای استحکام استخوان هایشان ضروری میباشد.

کلسیم در زنان میتواند جلوی سرطان روده را بگیرد

و همچنین فشار خون بالا را پائین می آورد.

یک گیلان شیر حاوی ۳۰۰ میلی گرام شیر است و به اندازه یک گیلان ماست دارای ۴۵۰ میلی گرام کلسیم بدن تان را تأمین کند. به این لحاظ جوانان روزانه به هزار میلی گرام کلسیم ضرورت دارند و افراد بالای سن ۵۰ سال به ۱۲۰۰ میلی گرام کلسیم احتیاج دارند ولی بهتر آنست تا روزانه یک تابلیت کلسیم را به خوردن نیازمندیهای بدن تان به این ویتامین مرفوع شده و عمر درازی داشته باشید.



ویتامین B

ظاهر آرامسته و اندام مناسب دلخواه همه ما میباشد

که این ویتامین سهم قابل ملاحظه ای را در بدن به رسیدن به این هدف انجام میدهد.

منابع این ویتامین عبارتند از هر ماده غذایی که دارای سبزیجات سبز باشد مانند میوه جات، سبزیجات گندم و غیره، میباشد.

مواد مذکور منابع فوق العاده غنی برای ویتامین

B۱ و B۲ عبارتند از دیگر اسید فولیک هستند. مصرف نکردن این مواد میتواند در بدن خطرات بزرگی را به دنبال دارد. زیرا سرطان، سکته قلبی و مغزی و دیگر امراض به کلسیم و ویتامین

B ارتباط

داشته و تشدید میشود

برای زنان حامله دار این ویتامین بسیار ضروری است، زیرا کمبودش باعث به دنیا آوردن طفل ناقص میشود.

برای تأمین همزمان کلسیم و ویتامین B۱۲ زنان صبحانه شیر کم چرب و نان خشک بخورند و یا یک کپسول مولتی ویتامین که حاوی ۴۰۰ میکرو گرام ویتامین B۱۲ استفاده کنید. به علاوه روزانه ۶۰۰ میلی گرام کلسیم را به هر ترتیب در رژیم تان جای دهید. زنانی که حامله دارند به خصوص اسید فولیک و ویتامین B۱۲ را جدی بگیرند تا فرزندان سالم بدنیا بیاورند.



در سالهای اخیر دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که با استفاده از یک رژیم مناسب غذایی میتوان تمام ویتامین های مورد نیاز بدن را تأمین کرد. و غیر از آن خوردن تابلیت های مختلف ویتامین ها میتواند انسان را از امراض مختلف نگهداشته و به عمر آنها افزود کند.

ویتامین E

ویتامین E یکی از ضروری ترین ویتامین های بدن است. بسیاری از مردم فکر میکنند که بهترین رژیم غذایی باید فاقد چربی باشد. باید گفت برای بدست آوردن کلسافی این ویتامین باید به مقدار چربی لازم صرف شود.

برای اینکه مطمئن باشید چربی ای که استفاده میکنید برای قلبتان هیچ ضرری ندارد، بهتر است روغن زیتون بخورید.

استفاده هر روز روغن زیتون باز هم برای بدن کافی نیست، بنا باید برای سلامتی قلبتان از تابلیت های ویتامین E استفاده کنید.

اگر کسی علاقمند آنست که فقط از راه مواد غذایی ویتامین E بدنش را تأمین کند باید بداند که علاوه بر روغن زیتون در تخم گل آفتاب پرست و بادام مقدار زیادی از آن ماده وجود دارد.

تابلیت های مولتی ویتامین تنها ۱۵ میلی گرام این ویتامین را دارند که این میزان آن برای تغذیه مناسب روزانه تجویز شده، اما بهتر است از کپسول های خود ویتامین E استفاده شود.





حمله قلبی

مقدمه:

تنها در ایالات متحده هر سال بیش از نیم میلیون نفر بر اثر حمله قلبی می‌میرند. در اصل نگران کننده ماهیت غیر قابل پیش بینی حمله قلبی است. همه ما شنیده ایم که فلان کس ناگهان بسوسدون هیچگونه علایمی اولیه در نهایت ندرستی دچار حمله قلبی شده و مرد.

حمله قلبی زمانی اتفاق می‌افتد که جریان خون به قلب یا قطع شود و یا به شدت کاهش یابد و به این ترتیب قلب از اکسیژن محروم گردد.

تشخیص:

در صدد بروز حمله قلبی بدون آنکه از آمدن خود اطلاع دهد گاهی اوقات نشانه‌های اندکی از خود نشان می‌دهد. و این نشانه‌ها که در ذیل ذکر شده ممکن نشان دهنده وقوع حمله قلبی باشد:

* درد شدید در قفس سینه که به سمت چپ بدن و عمدتاً به سمت چپ، صورت و گردن کشیده شود و این درد ممکن است که چند ساعت قبل از وقوع حمله قلبی و یا بطور ناگهانی ظاهر گردد.

* نامنظم شدن ضربات قلب.

* عرق کردن.

* سخت شدن تنفس.

* سرگیجی.

* حالت تهوع.

بعضی ظاهر شدن اولین نشانه‌های حمله قلبی، نباید فوراً به شفاخانه رفت. به‌خاطر اینکه در چنین موقع حتی ثانیه‌ها اهمیت دارد.

دلایل ایجاد:

حمله قلبی عموماً به یکی از این چند دلیل اتفاق می‌افتد:

نامنظم شدن ضربات قلب که امکان دارد که عمل نامنظم (پمپ کردن) خون را در آنجا ضعیف کند که قلب نتواند حتی برای خود خون کافی فراهم سازد.

دلیل مهم دیگر خونریزی داخلی است که ممکن جلوی رسیدن خون کافی به قلب را بگیرد. اما متداول ترین وقوع حمله قلبی آنست که رگ‌ها مسدود می‌شود که ممکن است باعث لخته شدن خون شده و تدریجاً رگ‌ها تنگ می‌شود و خون کافی به قلب نمی‌رسد.

از جمله فاکتورهایی که در پدید آمدن خطر حمله قلبی نقش دارند از قرار ذیل است:

* کم بودن فعالیت غده تیروئید.

* فشارهای عصبی.

* بلند کردن وزن بیش از اندازه و یا ورزش بیش از اندازه.

* چاقی.

* کشیدن سیگار.

* استفاده از مواد مخدر یا مشروبات الکلی.

* بالا بودن فشار خون.

* بالا بودن کلسترول.

* مرض شکر.

* عدم ورزش.

* کمبود برخی از مواد غذایی (ویژه منگنزوم)

موادی که می‌توانید بخورید:

* ویتامین E (گردش خون را بهتر می‌کند و خطر لخته شدن خون را کاهش می‌دهد).

* اکوانزایم - کیو ۱۰ (قدرت قسلب را در عمل پمپ کردن خون افزایش می‌دهد).

* آل - کارنیتین (قدرت قلب را در عمل پمپ کردن خون افزایش می‌دهد).

* منگیزیم (جلو می‌گیرد از ضربات قلب را می‌گیرد).

* سیرمایع بدون یو (بطور طبیعی خون را رقیق و صاف می‌کند).

کارهایی که می‌توانید انجام دهید:

* بطور منظم ورزش کنید اما در این کار افراط ننمایید.

* از بروز فشارهای عصبی خود را کنترل کنید.

* باید میزان ترشحات غده تیروئید خود را دائماً آزمایش کنید.

* هر روز حداقل ۸-۱۰ کیلاس آب بنوشید.

* از مصرف مواد مخدره، الکل و کافئین پرهیزید.

* از مصرف شکر و سایر کابونیدرات تصفیه شده دوری کنید.

* وزن بدن ناظر را در حد سالم نگهدارید.

* غذاهایی صرف کنید که از لحاظ ویتامین E غنی باشند مانند تخم گل آفتاب پرست، کنجد، بادام...

* غذاهایی صرف کنید که در آن مقدار کافی منگنزیم باشد مانند تخم گل آفتاب پرست، جوانه کنجد، ماهی، پنیر، کچالو...

* غذاهایی صرف کنید که در آن مقدار زیاد اکوانزایم - کیو ۱۰ باشند مانند ماهی...

* روزانه چند کیلاس جای سبز بنوشید. این نوع جای دلای مقدار کم کافئین و مقدار زیادی آنتی اکسیدانت است.



خانواده



باید به محتوای و شیوه انتقاد از کودک یعنی (چه گفتن و چگونه گفتن) توجه کرد. منطق ساختن لحن صدا با میزان جدی بودن، موضوعی که به کودک گفته میشود برای درک کودک از آن موضوع بسیار مهم است.

شیوه درست انتقاد از کودک



باید به این نکته توجه نمود که عزت نفس در کودکان بسیار ظریف و شکننده است، بنابراین برای انتقاد از آنها باید شیوه های را بکار برد تا کودک احساس ناامیدی و خودکم بینی نکند.

باید به محتوای شیوه انتقاد (یعنی چه گفتن و چگونه گفتن) توجه نمود. طور مثال انتقاد از یک کودک ۱۸ ماهه بخاطر کشش کردن میز غذا هنگامیکه او در تلاش است تا غذا را از دور بشقاب جمع کرده و به دهن خود بگذارد، نامناسب و غیر واقع بینانه است و ممکن است این احساس را در کودک ایجاد کند که او همواره شمارا ناامید می سازد و قادر نیست تا به خواست شما همیشه عمل کند، و از طرف دیگر انتقاد مداوم نیز موجب بر آورد نادرست فرزند شما از توانایی های خویش میگردد و باعث میشود که او از کردار خود ناراحتی نکرده و انتقاد را نادیده گیرد.

برای آشنا ساختن یک کودک ۱۸ ماهه، از خوب و بد و آشنایی او با محیط ماحول یعنی از خطرات مثل نزدیک شدن به لاین برق و غیره وقت مناسبی میباشد که باید با صبر و حوصله با کودک برخورد نمود و از توضیحات پیچیده مثل (باید غذا را با دست بخوری بخاطر اینکه از بین پنجه های میزبازی خودداری کرد و در عوض بسیار ساده به او بگویید (پسرم غذا را با قاشق بخور). در این سن که مهارت های کودک برای درک مطالب محدود است، منطق ساختن لحن صدا با میزان جدی بودن موضوعی که هدف آموزش آنست، از اهمیت زیادی برخوردار میباشد، زیرا این امر به کودک کمک خواهد نمود تا میزان جدیت مسئله را از روی لحن صدای شما دریابد.

باید بخاطر داشت که فرزند نوپای شما قادر نیست تمام قوانین و انتظارات شما را بخاطر سپارد، بنابراین اگر او این قوانین را فراموش نمود، تصور نکنید که قصد سرپیچی از دستورات شما را دارد. شاید لازم باشد مطالبی را که کودک ملزم به اجرای آن است، بارها و بارها به او یادآوری کنید. از لهجه درشت و آزار دهنده مثل (چه می کنی، چه کردی، همه اش را خراب کردی) و غیره استفاده نکنید. کودک شما هر گاهی از شما چیزی می رسد گوشش کنید با صبر و حوصله به او جواب دهید، به حرف کودک دقیقاً گوش دهید، وقتی کودک میخواهد بر اینان چیزی بگوید و لظریع معنی نداشته باشد باز هم گوش دهید و حرف او را قطع نکنید.

از کودک خود دائماً انتقاد نکنید، زیرا چنین کاری موجب سردرگمی کودک میگردد و کودک نمیتواند قضاوت درستی در مورد خودش داشته باشد. و همچنان کودک در زندگی اش کارهای زیادی را انجام میدهد که درست نیست، اما لازم نیست از تمام آنها انتقاد کرد و علاوه بر آن در صورت انتقاد زیاد از کودک، سبب آن میشود تا کودک به انتقاد و حرف های شما توجه نکرده و اعمال خود را تکرار کند.

باید انتظارات خود را از کودک مجدد آموخت و بررسی فرموده دهید.



شمسین

2002- ۱۳۸۱

حمل

March-April

جمعه	پنجشنبه	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه
AST	SUN	MON	TUE	WED	THU	FRI
					۱/۲۱	۲/۲۲
۳/۲۳	۴/۲۴	۵/۲۵	۶/۲۶	۷/۲۷	۸/۲۸	۹/۲۹
۱۰/۳۰	۱۱/۳۱	۱۲/۱	۱۳/۲	۱۴/۳	۱۵/۴	۱۶/۵
۱۷/۶	۱۸/۷	۱۹/۸	۲۰/۹	۲۱/۱۰	۲۲/۱۱	۲۳/۱۲

جوزا

May-JUNE

جمعه	پنجشنبه	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه
SAT	SUN	MON	TUE	WEN	THU	FRI
				۱/۲۲	۲/۲۳	۳/۲۴
۴/۲۵	۵/۲۶	۶/۲۷	۷/۲۸	۸/۲۹	۹/۳۰	۱۰/۳۱
۱۱/۱	۱۲/۲	۱۳/۳	۱۴/۴	۱۵/۵	۱۶/۶	۱۷/۷

ثور

April-May

جمعه	پنجشنبه	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه
SAT	SUN	MON	TUE	WED	THU	FRI
					۱/۲۱	۲/۲۲
۳/۲۳	۴/۲۴	۵/۲۵	۶/۲۶	۷/۲۷	۸/۲۸	۹/۲۹
۱۰/۳۰	۱۱/۳۱	۱۲/۱	۱۳/۲	۱۴/۳	۱۵/۴	۱۶/۵
۱۷/۶	۱۸/۷	۱۹/۸	۲۰/۹	۲۱/۱۰	۲۲/۱۱	۲۳/۱۲

اسد

July-August

جمعه	پنجشنبه	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه
SAT	SUN	MON	TUE	WED	THU	FRI
				۱/۲۲	۲/۲۳	۳/۲۴
۴/۲۵	۵/۲۶	۶/۲۷	۷/۲۸	۸/۲۹	۹/۳۰	۱۰/۳۱
۱۱/۱	۱۲/۲	۱۳/۳	۱۴/۴	۱۵/۵	۱۶/۶	۱۷/۷

سرطان

June-July

جمعه	پنجشنبه	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه
SAT	SUN	MON	TUE	WEN	THU	FRI
					۱/۲۱	۲/۲۲
۳/۲۳	۴/۲۴	۵/۲۵	۶/۲۶	۷/۲۷	۸/۲۸	۹/۲۹
۱۰/۳۰	۱۱/۳۱	۱۲/۱	۱۳/۲	۱۴/۳	۱۵/۴	۱۶/۵
۱۷/۶	۱۸/۷	۱۹/۸	۲۰/۹	۲۱/۱۰	۲۲/۱۱	۲۳/۱۲

سنبله

August-September

جمعه	پنجشنبه	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه
SAT	SUN	MON	TUE	WED	THU	FRI
					۱/۲۲	۲/۲۳
۳/۲۴	۴/۲۵	۵/۲۶	۶/۲۷	۷/۲۸	۸/۲۹	۹/۳۰
۱۰/۳۱	۱۱/۱	۱۲/۲	۱۳/۳	۱۴/۴	۱۵/۵	۱۶/۶
۱۷/۷	۱۸/۸	۱۹/۹	۲۰/۱۰	۲۱/۱۱	۲۲/۱۲	۲۳/۱۳

